

بسمه تعالی

ریاست جمهوری

معاونت علمی و فناوری

صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور

عنوان طرح:

روش‌شناسی تهیه مرامنامه اخلاقی در علوم

مجری:

حمیدرضا آیت‌اللهی

۱۳۹۵

بسمه تعالی

چکیده طرح:

علی‌رغم آن‌که اغلب مردم از ملاحظات اخلاقی بصورت عام آگاهی دارند اما در مواجهه با شرایط خاص و جدید نمی‌توانند تشخیص دهند که در مصادیق بخصوص چگونه باید رفتاری اخلاقی نمود. چالش‌های ارزشی، نو به نو نیاز جدی به درک درستی از مواضع اخلاقی در قبال شرایط خاص ایجاب می‌کند که در علم چندان واکاوی نشده و تنظیم و تنسيق نگردیده است. به این جهت نیاز است تا چالش‌های اخلاقی که در انواع فعالیت‌های علمی رخ می‌دهد مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته و و ضمن تحلیل بنیادهای اخلاقی آن روشی برای تنظیم راه حل‌های اخلاقی در موارد چالش‌های اخلاقی تنظیم گردد. در این قسمت از طرح با تعیین معنای مرامنامه اخلاقی و بررسی تاریخی اهمیت یافتن مرامنامه‌های اخلاقی در علم، ضرورت تدوین این مرامنامه‌ها بیان شده است. سپس ملاحظات مقدماتی در خصوص تدوین ذکر شده است و نهایتاً شمایی کلی از مراحل تدوین ذکر شده است. که پس از این به تفصیل مراحل تهیه مرامنامه ذکر خواهد شد و روش شناسی مناسبی در نهایت برای آن تهیه خواهد شد.

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب حمیدرضا آیت‌اللهی ضمن مطالعه دستور العمل اخلاق پژوهش صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این گزارش حاصل کار پژوهشی اینجانب می‌باشد، و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع و فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پژوهش قبلاً در هیچ‌جا انجام نگرفته است. در صورت اثبات (در هر زمان) صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور می‌تواند مطابق قانون با اینجانب برخورد کند. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر مربوط به صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور است.

حمیدرضا آیت‌اللهی

آذر ۱۳۹۵

فهرست

۲.....	چکیده
۳.....	فهرست
۴.....	مقدمه
۴.....	روش تحقیق
۵.....	نتایج و فواید
۶.....	۱- مرامنامه اخلاقی چیست؟
۸.....	۲- بررسی تاریخی اهمیت یافتن اخلاق در علم
۱۲.....	۳- ضرورت تدوین مرامنامه اخلاقی در علم
۱۶.....	۴- ملاحظات مقدماتی برای تدوین مرامنامه اخلاقی
۲۰.....	۵- مراحل تدوین مرامنامه اخلاقی
۲۰.....	مرحله اول: یافتن مواردی که نیاز به تصمیم اخلاقی دارند
۲۴.....	مرحله دوم: مشخص ساختن دست اندرکاران نیازمند به کدهای اخلاقی
۲۶.....	مرحله سوم: بازشناختن چالشهای اخلاقی در علم
۲۷.....	مرحله چهارم: تعیین اصول اخلاقی
۲۸.....	مرحله پنجم: تعیین رویکرد مبنایی در اخلاق
۳۰.....	مرحله ششم: تدوین مرامنامه اخلاقی در علم
۳۲.....	۶- ملاحظات در تدوین مرامنامه
۳۶.....	۷- چهارچوبی برای رویکرد اسلامی - ایرانی به اخلاق در علم
۵۵.....	۸- منابع فارسی و لاتین

علی‌رغم پیشرفت بسیاری کشورهای غربی در تهیه و تنظیم مرامنامه‌های اخلاقی برای فعالیتهای متفاوتشان (مخصوصاً در علم و تکنولوژی) بگونه‌ای که اخلاقیات جزء لاینفک فعالیتها و طرحها و طرحنامه‌ها گردیده است اما متأسفانه در این زمینه در کشور ما کار زیادی انجام نشده است و ملاحظات اخلاقی در فعالیتهای اخلاقی واکاویده نشده است و برای آن دستورات عملی راهگشایی ارائه نشده است؛ در نتیجه تعارضهای اخلاقی در فعالیتهای علمی به آسبیبی جدی در آرمانهای اسلامی جامعه ما گردیده است.

اما از آنجا که در این چند ساله اخیر رفته رفته به موضوع اخلاق توجه شده است و بسیاری دغدغه‌ارائه دستورات عملی اخلاقی مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی دارند ضرورت دارد روش تنظیم این مرامنامه‌ها برای آنها مدون شده تا بتوان مرامنامه‌های اخلاقی مورد لزوم کشور را که بسیار هم هستند تهیه کرد.

کلیه دستگاههای دولتی و یا غیر دولتی که به نحوی با فعالیتهای علمی درگیر هستند نیاز به شفاف‌سازی وظایف اخلاقی تمامی دست‌اندرکاران خود دارند تا سلامت فعالیت را تضمین نماید. از آنجا که قبل از تهیه این دستورات عملی لازم است روش‌شناسی تهیه این مرامنامه‌ها تنظیم گردد لذا این کار مقدمه‌ای واجب و بسیار اثرگذار برای ایجاد سلامت در فعالیتهای علمی است.

روش تحقیق

۱. برای هر مرحله از کار روش خاصی ایجاد می‌کند که روشهای متفاوت کار به شرح ذیل بیان می‌گردد:
۲. برای پاسخ به پرسشهای اول تا سوم و انجام تعهد اول مجری، از روش کتابخانه‌ای به همراه روش مصاحبه‌های عمیق از فعالان عرصه علم استفاده خواهد شد که نتیج آن در قالب یک مجموعه تنظیم یافته توسط مجری ارائه خواهد شد.
۳. برای پاسخ به پرسش چهارم و تعهد دوم مجری، روش کار کتابخانه‌ای است که با توجه به مبانی فلسفی و دینی کشورمان و تدوین آن به یک نظریه‌نهایی در خصوص رویکرد اسلامی ایرانی به اخلاق در علم خواهیم رسید.

نتایج

علی‌رغم آن‌که اغلب مردم از ملاحظات اخلاقی بصورت عام آگاهی دارند اما در مواجهه با شرایط خاص و جدید نمی‌توانند تشخیص دهند که در مصادیق بخصوص چگونه باید رفتاری اخلاقی نمود. چالش‌های ارزشی، نو به نو نیاز جدی به درک درستی از مواضع اخلاقی در قبال شرایط خاص ایجاب می‌کند که در علم‌چندان واکاوی نشده و تنظیم و تنسيق نگردیده است. به این جهت نیاز است تا چالش‌های اخلاقی که در انواع فعالیت‌های علمی رخ می‌دهد مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته و و ضمن تحلیل بنیادهای اخلاقی آن روشی برای تنظیم راه حل‌های اخلاقی در موارد چالش‌های اخلاقی تنظیم گردد.

علی‌رغم پیشرفت بسیاری کشورهای غربی در تهیه و تنظیم مرامنامه‌های اخلاقی برای فعالیت‌های متفاوتشان (مخصوصاً در علم و تکنولوژی) بگونه‌ای که اخلاقیات جزء لاینفک فعالیت‌ها و طرح‌ها و طرحنامه‌ها گردیده است اما متأسفانه در این زمینه در کشور ما کار زیادی انجام نشده است و ملاحظات اخلاقی در فعالیت‌های اخلاقی واکاوی نشده است و برای آن دستورالعمل‌های راهگشایی ارائه نشده است؛ در نتیجه تعارض‌های اخلاقی در فعالیت‌های علمی به آسیمی جدی در آرمان‌های اسلامی جامعه ما گردیده است.

اما از آنجا که در این چند ساله اخیر رفته رفته به موضوع اخلاق توجه شده است و بسیاری دغدغه ارائه دستورالعمل‌های اخلاقی مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی دارند ضرورت دارد روش تنظیم این مرامنامه‌ها برای آنها مدون شده تا بتوان مرامنامه‌های اخلاقی مورد لزوم کشور را که بسیار هم هستند تهیه کرد. کلیه دستگاه‌های دولتی و یا غیر دولتی که به نحوی با فعالیت‌های علمی درگیر هستند نیاز به شفاف‌سازی وظایف اخلاقی تمامی دست‌اندرکاران خود دارند تا سلامت فعالیت را تضمین نماید. از آنجا که قبل از تهیه این دستورالعمل‌ها لازم است روش‌شناسی تهیه این مرامنامه‌ها تنظیم گردد لذا این کار مقدمه‌ای واجب و بسیار اثرگذار برای ایجاد سلامت در فعالیت‌های علمی است.

به نام خداوند

روش شناسی تهیه مرامنامه اخلاقی در علوم

۱- مرامنامه اخلاقی چیست؟

مباحث اخلاقی در حیطه های گوناگونی مورد بررسی قرار می گیرند:

مباحث تحلیلی در اخلاق که فلسفه اخلاق نامیده می شود شامل: اخلاق تحلیلی یا فرااخلاق و اخلاق هنجاری است.

اخلاق تحلیلی (فرااخلاق): اخلاق تحلیلی، کوششی عقلانی است برای پاسخ به پرسشهایی از این قبیل:

چگونه می توان احکام اخلاقی را توجیه کرد؟ معنی آزاد یا مسئول بودن چیست؟ معنای «خوب» در

جملاتی همچون «عدالت خوب است» دقیقا چیست؟ آیا «خوب» مانند بسیاری از اشیاء این عالم همچون

«درخت»، «میز» و «خورشید» وجود خارجی دارد یا آنکه ذهن ما آدمیان آنها را می سازد؟ آیا منطقی می

توان از واقعیات عالم، احکام اخلاقی استخراج کرد؟ (فرانکنا، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

اخلاق هنجاری: این بخش از اخلاق به شیوه ای کلی نحوه تعیین افعال خوب و بد را بیان می کند.

بنابراین به مسائل جزئی همچون جواز «مرگ از روی ترحم» یا جواز «سقط جنین» و یا عدم جواز آنها

نمی پردازد. (پالمر، ۱۳۸۵، ص ۲۰ و فرانکنا، ۱۳۸۵، ص ۲۷)

نظریه های گوناگون اخلاقی همچون: خودگروی اخلاقی، فایده گروی اخلاقی، وظیفه گروی اخلاقی،

نظریه قرارداد اجتماعی، اخلاق فضیلت از مباحث اخلاق هنجاری است.

تفاوت فرا اخلاق و اخلاق هنجاری آن است که فرا اخلاق به مباحثی می پردازد که «درباره اخلاق» است،

اما اخلاق هنجاری به مباحثی «دراخلاق» می پردازد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۰، ص ۵۲)

اخلاق کاربردی؛ بررسی نحوه بکار بردن مباحث اخلاقی در یک زمینه عملی و کاری است که با تجزیه و تحلیل آن عمل و کار و هنجارهای اخلاقی، وظیفه اخلاقی دست اندرکاران آن کار را تعیین نماییم. بدیهی است که در این شاخه از اخلاق شرایط خاصی برای هرگونه فعل کاربردی است که آن را متمایز از دیگر کاربردها می کند؛ و به همین جهت، چون در هر کاربرد، با مسائل خاص همان کاربرد مواجه هستیم، لذا نیاز داریم متناسب با شرایط ویژه آن کاربرد و مسائلی که افراد در آن کاربرد دست به گریبان می شوند نحوه عمل اخلاقی بررسی شده و معین گردد.

مرامنامه اخلاقی؛ بدیهی است که مسائل مطرح شده در فلسفه اخلاق، اخلاق هنجاری و فرا اخلاق مباحث نظری زیر بنایی هستند که می توانند ما را در تعیین اعمال اخلاقی و معیار آن کمک کند. اما اینگونه تحلیلها نمی تواند مستقیماً وظیفه مشخص اخلاقی دست اندرکاران را مشخص سازد. در اخلاق کاربردی سعی می شود که بر اساس آن مبانی نظری در خصوص مسائل اخلاقی که در هر کاربردی وجود دارد تجزیه و تحلیل صورت بگیرد، و به راهنمایی عملی برای انجام کار خوب یا درست، و ترک کار بد یا نادرست بیانجامد. اما اینگونه تجزیه و تحلیلها بررسی های تفصیلی هستند که از حوصله اغلب دست اندرکاران هر کاری بیرون است و مباحث و استدلالها برای نشان دادن یک وظیفه اخلاقی صرفاً در حیطه فعالیت عالمان اخلاق است که می توانند با تجزیه و تحلیل موقعیتهای مختلف وظایف اخلاقی را ارائه کنند. بدین جهت کلیه دست اندرکاران یک حرفه یا فعالیت کاربردی علاقمند هستند که پس از تمامی بررسیهای نظری در حیطه های گوناگون، نتایج مشخص و تنظیم شده ای را داشته باشند که صرفاً دستور العمل اخلاقی را در شرایط گوناگون کار و برای هر دسته افراد درگیر در کار ارائه نماید. به مجموعه این دستورالعملهای اخلاقی، کدهای اخلاقی یا مرامنامه اخلاقی گفته می شود، که کمک می کند تا دست اندرکاران به وضوح

وظایف اخلاقی خود را بدانند. در نتیجه در تنظیم مرامنامه های اخلاقی به علت اخلاقی بودن هر دستورالعملی پرداخته نمی شود و فقط به روشنی وظایف اخلاقی مشخص می گردد (آیت الهی، ۱۳۹۴).

۲- بررسی تاریخی اهمیت یافتن اخلاق در علم:

گرچه در انتهای قرن نوزدهم، علم یگانه معرفتِ بلامنزاع نزد فرهیختگان گشته بود؛ و سایر شاخه های علمی می بایست خود را با ملاکهای علمی تطبیق می کردند ولی در ابتدای قرن بیستم، تحول دیگری در علم بوجود آمد. اگر چه در این دوران، هم با پیشرفت شگفت آور فناوری و هم با رشد سرسام آور علم محض مواجه هستیم، ولی نقش علم به عنوان یگانه فرمانروای اندیشه بشری و تنها تبیین گر عالم به زیر سؤال رفت. در اوایل قرن بیستم با تردیدهایی که در موفق بودن فیزیک نیوتونی پیش آمد، نگاه کوانتومی و نسبیتی به فیزیک باعث شد قطعیتی که از علم توقع می رفت مورد تردید واقع گردد (آیت الهی، ۱۳۸۳، صص ۶۵-۷۵).

از طرف دیگر، با ظهور شاخه ای بنام فلسفه علم، جزم اندیشی های علمی بازنگری شد، و در نتیجه تفکر جزم اندیشانه رفته رفته از جوامع علمی رخت بریست. این تحول به سبب بررسی های جدی در مبانی فلسفی علم اتفاق افتاد. این بررسی ها محور بحث های فیلسوفان علم بود. رها کردن نگرش مکانیستی محض به جهان، گرایش به آزاد اندیشی بیشتر و پی بردن به این که علم باید از تبیین جهان دست بکشد و تنها به توصیف و پیشگوئی آن خرسند باشد، همه نتیجه بررسی دقیق در چهارچوب های علمی بوده است (هال، ۱۳۶۳، ص ۱۷).

گرچه در اواسط قرن بیستم کشف DNA و زیست شناسی ملکولی موفقیت مهمی را در علم بوجود آورد و علم توانست با تحلیل ملکولی به تبیین تحولات زیستی بپردازد اما مشکلات جدیدی سر برآوردند. پیشرفت

زیست‌شناسی ملکولی موفقیتی دیگر برای تفکر ماتریالیستی بود. ماتریالیسم پروژه خود را با زیست‌شناسی ملکولی تمام نمود. تمامی تغییرات شیمیایی با نیروهای فیزیکی قابل توجیه بود. تمامی فعل و انفعالات زیستی نیز با زیست‌شناسی مولکولی قابل تحویل به تغییرات شیمیایی بود. در روانشناسی نیز دیدگاه‌هایی علمی ارائه شد که تغییرات زیستی و شیمیایی را علت رفتارهای انسانی قلمداد می‌کرد و قوانین جامعه‌شناسی نیز به تحلیل‌های روانشناختی قابل تحویل می‌شد. به این پروژه «تحویل‌گرایی» گفته می‌شود (ننسی مورفی، ۱۹۹۷، ص ۱۳).

فیزیک ← شیمی ← زیست‌شناسی ← روانشناسی ← جامعه‌شناسی

اما با ظهور جنگ‌های جهانی اول و دوم، یکسره خواب و خیال بشر در کسب رفاه و آسایش با بدست آوردن تکنولوژی‌های برتر به یاس و ناامیدی بدل گشت. ۴۵ میلیون انسان کشته شدند چرا که فناوری، امکانات بیشتری برای او برای کشتن دیگر انسانها بوجود آورده بود. همین امر باعث شد که غرور بشر در اثر تسلط بر طبیعت کاسته شود. مکتب فرانکفورت به نقد علم و تکنولوژی دوران مدرن پرداخت و رفته رفته معلوم کرد که صرف علم و تکنولوژی نمی‌تواند مشکلات بشر را حل کند و بشر به عوامل دیگری همچون اخلاق و دین نیز نیاز دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۷).

در دو دهه‌های انتهایی قرن بیستم و شروع هزاره جدید مشکلات اساسی محیط زیست موجب یک نوع بدبینی به تکنولوژی و عواقب نامطلوب آن گردید. وظیفه تکنولوژی که بر کشفیات علمی مبتنی بوده است رساندن بشر به یک زندگی آسوده‌تر و کم‌دردتر به حساب می‌آمد، اما تکنولوژی آن چنان آلودگی و تخریبی بوجود آورد که مصیبت‌هایش برای بشریت بیشتر از کمک‌هایش بود. بنابر این ارزش مطلق پیشرفت علمی و توانایی آن در تدارک رفاه و آسایش برای همه مردم زیر سؤال رفت. عوامل اخلاقی با محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کردند در تمامی تحقیقات علمی موقعیت مهمی یافت. پیشرفت هدایت شده

جایگزین پیشرفت آزاد و بی محدودیتی گردید که تاثیر تخریبی خود را در گذشته نشان داده بود. این پیشرفت بی قید، طبیعتی را تخریب می کرد که محیط زیست همان انسانی بود که داعیه کمک به آن را داشت. در این دوران نوعی بازگشت به طبیعت و ارزش قائل شدن برای خود طبیعت در میان دانشمندان رواج یافت (نصر، ۱۹۹۶، مقدمه).

اگر ابتدای قرن بیستم، پیشرفت بشر در بدست آوردن هرگونه قدرتی برای تسلط بر طبیعت بود و ایجاد هرگونه مانعی برای بشر بی خردی و عقب ماندگی قلمداد می شد، اما در ابتدای قرن بیست و یکم تردید در مجاز بودن پیشرفتهای بشری مساله اساسی در جوامع علمی گردید. ضرورت نگاه اخلاقی به تمامی تحقیقات بشر به یکباره عقل خودمختار بشر را زیر سوال برد.

این جریان که با مکتب فرانکفورت آغاز شده بود در دهه ۱۹۸۰ میلادی به یک نهضت تبدیل شد. این نهضت که ابتدا در تجارت نقش پررنگی پیدا کرده بود رفته رفته در علم نیز جدی گردید؛ بگونه ای که بخش بزرگی از تحقیقات را به خود اختصاص داد و موضوع اخلاق در علم در محافل علمی روز به روز گسترده تر شد. گذشته از جریان قرن بیستمی که ذکر شد عوامل چندی نیز در این امر دخیل بودند که دانشمندان، اصلاحگران و سیاستمداران را بر آن داشت که موضوع اخلاق را در علم مورد توجه جدی قرار دهند. (رزنیک، ۱۹۹۸، صص ۳-۴) مانند:

۱- خبرگزاری ها در دهه ۸۰ میلادی رفته رفته ماجراهایی علمی را نشان دادند که در آن مسائل اخلاقی وجود داشت و رفتارهایی در علم اتفاق می افتاد که از لحاظ اخلاقی محل مناقشه بود. مانند: آزمایشهای محرمانه دولت آمریکا بر روی انسان در دوران جنگ سرد، مهندسی ژنتیک، طرح ژنوم انسانی، مطالعاتی بر روی مبانی ژنتیکی هوش، شبیه سازی حیوانی و انسانی از روی سلول های بنیادین و نهایتا افزایش دمای جهانی. (هیلنز، ۱۹۹۶، هدگز، ۱۹۹۷)

۲- دانشمندان و ناظران دولتی با مواردی مواجه شدند که تحقیقات علمی و یا نتایج آنها گرفتار مسائل اخلاقی بودند و نحوه عملکرد افراد در آنها از لحاظ اخلاقی محل سوال بود بگونه ای که جامعیت و ثبات تحقیق را تهدید می کرد مثل، انتحال، تقلب، تخطی از قوانین، مدیریت غلط بودجه های تحقیقاتی، استثمار عوامل اجرای پژوهش، تعارض منافع افراد و شکستن حریم خصوص افراد. با اینکه موارد رو به افزایشی از این رفتارهای غیر اخلاقی گزارش می شد ولی اغلب فعالیتهای علمی بر خلاف تجارت، پزشکی و حقوق، با این مشکل مواجه نبودند.

۳- با افزایش ارتباط فعالیتهای علمی با امور تجاری، صنعت و منافع اجتماعی، رفته رفته مشکلات اخلاقی که در آن ساختها وجود داشت به ساحت علم نیز رخنه پیدا کرد. (ریزر، ۱۹۹۳) لذا فعالیتهای علمی در اموری همچون اختصاص بودجه، ارزیابی دقیق کار علمی، آزادمنشی علمی، مالکیت فکری و اشتراک منابع درگیر مسائل اخلاقی گردید.

در پاسخ به این نیاز روز افزون موسسات و جوامع علمی بخشی از فعالیتهای خود را به موضوع اخلاق در علم اختصاص دادند، (رزنیک، ۱۹۹۸، ص ۴) همچون موسساتی در آمریکا: بنیاد ملی علم (NSF)، موسسه ملی سلامت (NIH)، انجمن امریکایی پیشرفت علمی (AAAS)، آکادمی ملی علوم (NAS) و Sigma Xi. کنفرانسهای علمی، سخنرانی ها، کتابهای متعددی در این دوران به این مساله اختصاص یافت. مجلات علمی متعددی برای بحث در این موضوع بوجود آمدند. رفته رفته مجموعه هایی دست بکار شدند تا موارد اخلاقی را دسته بندی کرده و برای آن دستورالعملهای اخلاقی تدوین کنند تا دانشجویان و پژوهشگران بتوانند نحوه عمل اخلاقی در موارد خاص بیابند و نظامی برای فعالیت علمی خود داشته باشند. (ریزر، ۱۹۹۳، برد و اسپایر، ۱۹۹۵، گرت، ۱۹۹۵)

عوامل اجتماعی دیگری نیز نیاز به تدوین اخلاقیات در علم را تشدید کرد. موقعیت علمی استادان دانشگاه، ارتقاء علمی و شغلی پژوهشگران، تخصیص بودجه های دولتی، ضرورت انتشار مطالب علمی، همکاریهای علمی بین افراد تماما مسائلی بودند که در جوامع علمی خود را نشان دادند.

۳- ضرورت تدوین مرامنامه های اخلاقی در علم

علی رغم مطالب پیش گفته، برخی بر این اعتقاد هستند که اخلاقیات چیزی است که تمامی مردم بطور فطری به آن پایبند هستند و بازگویی آنچه مردم می دانند کاری عبث است. هر انسانی در مواجهه با مسائل اخلاقی بطور شهودی می داند کدام عمل اخلاقی را باید انجام دهد. هیچکس نیست که نداند صداقت، رازداری، آزارنرساندن به دیگران، عدالت، سودمندی و احترام در علم و فعالیتهای علمی امری پسندیده است. بنا بر این چه نیازی است که این مطالب بازگویی شود (رزنیک، ۱۹۹۸، ص ۶).

در پاسخ می توان بر اساس تبیین های ذیل ضرورت نیاز به مرامنامه های اخلاقی را متذکر شد:

۱- هر عملی که انسان انجام می دهد ضرورتا مبتنی بر یک نظام ارزشی و اخلاقی است که بر آن اساس تصمیم گیری می کند. گرچه ما اغلب به معیارهای کلی اخلاقی یکسان معتقدیم، ولی تطبیق معیارها با شرایط جزئی در فعالیتهایمان، با مشکلات زیادی مواجه می شود؛ و در نتیجه دست به تصمیم های متفاوتی می زنیم که ناشی از شرایط آن فعالیت است ولی با تجزیه و تحلیل دقیق تصمیم هایمان اغلب با مغایرت آن با معیارهای اخلاقی مواجه می شویم و کاری را که اخلاقی نیست اخلاقی دانسته، و یا کاری که اخلاقی است به وجه اخلاقی آن توجه نمی کنیم. بدین جهت عالمان اخلاق تلاش می کنند با همفکری و تجزیه و تحلیل شرایط خاص یک فعالیت، وظایف

اخلاقی ما را تنظیم کرده و متناسب با نقشی که در آن فعالیت داریم دستور العملهایی اخلاقی تنظیم نمایند تا بر آن اساس سایر افراد بتوانند در یک نظام معیار، زیست اخلاقی داشته باشند.

۲- علی رغم آنکه انسان طی رشدش از دوران کودکی رفته رفته درک و باورهای اخلاقی اش رشد می کند ولی تجربه نشان می دهد برخی در بزرگسالی رشد اخلاقی لازم را نداشته اند و در نتیجه در تشخیص اخلاقیات دچار کج اندیشی می شوند و به این نقص خویش نیز خودآگاهی ندارند. کلبِرگ مراحل رشد اخلاقی را ۶ مرحله می داند که در سه سطح پیشاعرفی، عرفی و پساعرفی تقسیم بندی می شود. بسیاری از مردم در مرحله عرفی زیست اخلاقی دارند لذا با ملاکهای خاصی در خصوص اخلاقی بودن کاری قضاوت می کنند؛ در حالی که اگر آنها در مرحله پساعرفی اخلاقمدار باشند ملاک برتری در تصمیم گیریهای اخلاقی شان خواهند داشت. به این جهت است که برخی در تصمیم گیریهای اخلاقی شان قدرت درک و تجزیه و تحلیل وظیفه اخلاقی شان را کمتر می یابند. مرامنامه های اخلاقی به آنها کمک می کند تا در چالشهای اخلاقی بتوانند رفتار درست را براحتی دریابند (کلبِرگ، ۱۹۸۴، ص ۱۲۵).

۳- اگر هرگونه رفتارمان را -حتی رفتارهای عادی و هرروزه مان را- تجزیه و تحلیل کنیم می بینیم مرتب بطور ناخودآگاه در حال انتخاب برخی رفتارها هستیم. این انتخابها می توانند با ملاکهای اخلاقی، درست یا نادرست قلمداد شوند. اما در بسیاری موارد ما متوجه نیستیم که انتخاب ما می تواند با اخلاقیات تعارض داشته باشد و یا به آن ملاک اخلاقی توجه نداریم لذا دچار رفتار غیر اخلاقی می شویم. «رست» این وضعیت را "حساسیت اخلاقی" می نامد. لذا ضرورت دارد برخی عوامل با برانگیختن حساسیت اخلاقی ما، در انتخابهایمان کمک کنند تا به ملاکهای اخلاقی توجه داشته باشیم. یکی از این موارد ایجاد خودآگاهی نسبت به وظایف اخلاقی مان است که معمولاً با مرامنامه های اخلاقی نیز می تواند میسر شود. درست است که پس از درک تحلیلی یک عمل می

توانیم بخوبی متوجه اخلاقی بودن فعلی شویم ولی با نظام بخشیدن به این دستورالعملها می توانیم دقتهای اخلاقی مان را زیاد کرده و به اخلاقی رفتار کردن حساس باشیم.

۴- جیمز رست (۱۹۸۶) نظریه‌ای در باب تعیین رفتار اخلاقی و قطعیت بخشی به رفتار ارائه می کند که در آن فرایندهای روانشناختی دخیل در رفتار اخلاقی را مورد توجه قرار داده و دریافته است که حداقل ۴ فرایند روانشناختی اصلی باید رخ دهد تا رفتار اخلاقی بروز نماید. وی (۱۹۸۴) با طرح این پرسش که "چگونه رفتار اخلاقی رخ می‌دهد؟" و تغییر آن به راهبرد "جستجو از عوامل شکست در رفتار اخلاقی"، به ۴ مولفه دست یافته است. بیان این ۴ مولفه روشی مفید برای مفهوم سازی توانمندی‌هایی است که در عملکرد اخلاقی مؤثر است. مولفه سومی که او نشان می دهد "انگیزش اخلاقی" است.

گاهی علت اخلاقی عمل نکردن فرد، ترجیح ارزش‌های دیگر بر ارزش اخلاقی مطرح در موقعیت و کنار گذاشتن ارزش اخلاقی به نفع آن ارزش‌های دیگر رخ می‌دهد. افراد پلید مشهوری مثل هیتلر وجود دارند که عملکرد غیراخلاقی آنها را نمی‌توان ناشی از عدم ملاحظه تأثیر رفتار بر دیگران و نقصان آگاهی آنها از آنچه انجام می‌دهند دانست یا به دلیل اینکه نمی‌توانسته‌اند محاسبه کنند و دریابند که چه عملی منصفانه و اخلاقی است. بلکه آنها آگاهانه ارزش اخلاقی را فدای نژاد و ارزش آن کرده‌اند. بنابراین ارزش دیگری می‌تواند ارزش اخلاقی را دگرگون و تضعیف کند. پس گاهی عمل غیراخلاقی به این دلیل که فرد به حد کافی برانگیخته نیست که ارزش‌های اخلاقی را بالاتر از ارزش‌های دیگر قرار دهد، رخ می‌دهد. وقتی که خود، سازمان خود، کشور خود، نژاد خود، پول، مدرک، مقام، شغل و حتی طلب علم و جایگزین ارزش اخلاقی یا آنچه که درست

است بشود، رفتار غیراخلاقی رخ می‌دهد. این همان انگیزش اخلاقی^۱ به تعبیر رست است یعنی برانگیختگی برای ترجیح ارزش اخلاقی بر سایر ارزش‌ها. (رست و ناروائز، ۱۹۹۴، ص ۲۴).

حال در مورد علم نیز پایبند نبودن به اخلاقیات در علم می‌تواند به علت پررنگ شدن برخی ارزشهای فردی در قبال وظیفه اخلاقی باشد. مشخص ساختن وظایف اخلاقی در مرامنامه‌های اخلاقی باعث می‌شود ملاکهای اخلاقی بدون در نظر گرفتن ترجیحات فردی برای تمسک به رفتار معین گردد.

۵- علی‌رغم آنکه معیارهای اخلاقی بر اساس فطرت انسانی ماست و در کلیات، اخلاقیات نزد تمامی انسانها به یک سیاق است ولی وقتی وارد جزئیات می‌شویم عوامل دیگری در تعیین معیارهای اخلاقی دخالت می‌کند بگونه‌ای که برخی معیارها نزد برخی افراد و جوامع نقش پررنگ‌تری می‌یابند و برخی ملاکها کمرنگ‌تر می‌شود. به این جهت است که در فرهنگهای مختلف، علی‌رغم یکسانی در بسیاری موارد، ولی نگاه به اخلاقیات تفاوتی می‌کند. اگر در جامعه‌ای اسلامی عفت و حیا بسیار پررنگ‌تر از خودمختاری انسان است، در برخی جوامع این صفات چنان کم‌رنگ می‌شوند تا آزادی فردی پررنگ‌تر گردد. بدین جهت بر اساس فرهنگهای مختلف نمی‌توان حکم واحدی را در چالشهای اخلاقی در علم ارائه کرد. به این دلیل هر یک از فرهنگها باید بررسی کند در رفتارهای علمی اش ملاکهای مقبول فرهنگش را بدرستی مورد توجه قرار داده است یا خیر. درست است در برخی کلیات می‌توان حکم واحدی برای تمامی بنی بشر ارائه کرد ولی در موقعیتهای عملی بین اندیشه برخاسته از فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی باید تفاوتی وجود داشته باشد. به همین جهت است که ما باید متناسب با فرهنگ خودمان معیارهای اخلاقی را تنظیم کنیم تا منش علمی ما در تعارض با نگرش اخلاقی اسلامی نگردد. به همین جهت هر جامعه‌ای

^۱ . Moral motivation

باید به بازرسی ملاکهای عام اخلاقی پردازد و در منش های علمی آنچه که مقبول فرهنگش است مبنای تصمیم گیری های اخلاقی اش گردد. از این جهت نیز تدوین مرامنامه اخلاقی در جامعه ما اهمیت پیدا می کند.

۶- انسان در انجام هر رفتاری لزوماً از یک قانون واحد اخلاقی تبعیت نمی کند. اغلب تصمیم های اخلاقی ما از جنبه های مختلف مبتنی بر مولفه های متفاوت اخلاقی است. گاهی در انجام یک عمل دو معیار چنان باهم تضاد پیدا می کنند که عمل بر اساس هر یک از این دو دستور اخلاقی موجب تخلفی از معیاری دیگر می گردد. به اینگونه موارد «دوراهی های اخلاقی» و تعارضهای اخلاقی گفته می شود. در اینگونه موارد نیاز است عالمان اخلاق پس از تجزیه و تحلیل کار و تطبیق آن با دستورهای اخلاقی تمامی جوانب را سنجیده و تصمیم اخلاقی درست را نشان دهند. در علم مواردی اتفاق می افتد که اینگونه تعارضهای اخلاقی ما را سردرگم می کند. مرامنامه های اخلاقی می توانند تا حدی این حیرت را برطرف کنند.

عوامل فوق تدوین و تهیه کدهای اخلاقی را ضروری می سازد. در نتیجه کدهای اخلاقی در علم باید بگونه ای تنظیم یابد که بتواند نیازهای فوق را به نحوی برآورده سازد.

۴- ملاحظاتی مقدماتی برای تدوین مرامنامه اخلاقی

۱- انسان رفتارهای متعددی دارد که برخی از آنها اختیاری و برخی غیر اختیاری است. اعمال غیر اختیاری که از انسان سر می زند مثل رفتار طبیعی اندامهای بدن مثل قلب و کبد چون در اختیار انسان نیست در اینگونه موارد، اخلاقیات معنا ندارد. به همین جهت است که کارهایی که دیوانگان انجام می دهند در ارزیابی اخلاقی قرار نمی گیرد. قصدیت فعل، شرط مهمی از اخلاقی بودن یک رفتار است که در نتیجه آن پاداش و جزا معنا پیدا می کند. اگر در نظر داریم اخلاقی بودن را در

علم بیان کنیم باید توجه داشته باشیم که صرفاً افعالی در معرض داوری اخلاقی قرار می‌گیرد که انجام دهنده آن انسانی باشد که آن فعل را از روی قصد انجام داده باشد. به همین جهت کلیه نتایجی که از یک فعل و انفعال علمی بوجود می‌آید در معرض قضاوت اخلاقی قرار نمی‌گیرد. اگر در اثر یک فعل و انفعال طبیعی، ماده‌ای خطرناک بوجود بیاید نمی‌توان این فعل و انفعال را اخلاقاً محکوم نمود؛ همانگونه که یک شیر به علت دریدن یک آهو مورد قضاوت اخلاقی قرار نمی‌گیرد.

با فرض اینکه تنها انسان است که از اختیار برخوردار است، لذا اخلاقیات برای انسان معنا دارد و فقط افعالی از او در معرض قضاوت قرار می‌گیرد که بطور اختیاری انجام شده باشد. به این جهت اخلاقیات در علم نمی‌تواند به خود علم راجع باشد بلکه به رفتارهای انسانی که در مسیر تولید، ارتقاء، توزیع و استفاده از علم توسط انسانها بوجود می‌آید راجع است. پس یافتن معیارهای اخلاقی در علم یعنی یافتن رفتارهای اختیاری انسانها که در مسیر علم برای آنها بوجود می‌آید.

۲- از آنجا که قضاوت‌های اخلاقی مبتنی بر نوعی نگرش در فلسفه اخلاق است و این مبانی اخلاق متنوع است، باید توجه داشت که اگر بنا باشد که ابتدا یک نوع نگرش خاص اخلاقی در فلسفه اخلاق را بپذیریم تا بر اساس آن خوب و بد و باید و نباید را تعیین کنیم، معمولاً این کار اگر برای فیلسوفان میسر باشد برای دانشمندان غیر قابل دستیابی است. لذا در ابتدا با تعیین ویژگی‌های یک نوع تفکر مثل تفکر اسلامی و ارائه مدلی از اخلاقیات به سراغ تعیین معیارهای اخلاقی خواهیم رفت. بدین جهت هر تهیه‌کننده مرامنامه اخلاقی باید مبانی فکری خود را در اخلاق معین کند تا پس از توافق بر آن مبانی در میان یک جامعه بخصوص بتوان دستورالعمل‌های اخلاقی را تدوین کرد. پس از مقبولیت مبانی فکری در میان یک جامعه که توسط اندیشمندانی فلسفی نگر تدوین می‌گردد می‌توان نسبت به بقیه راه اقدام نمود. مثلاً اگر ایجاد بیشترین لذت برای یک جامعه ملاک

اخلاقی بودن کاری باشد با وقتی که برترین فضیلت معیار قرار گیرد متفاوت خواهد بود. به همین جهت پیروان یک مرامنامه اخلاقی باید در یک نگرش مبنایی (مثل ترجیح تفصیلهای دینی بر عقل خود بنیاد بشری) توافق نسبی داشته باشند تا بتوان مرامنامه متناسب تدوین نمود. بدیهی است تبیین این مبنایی می تواند در یک جامعه ارتقاء پیدا کند و تا مبنای مستدل تری برای آن پیدا نشده است همان تفکر بنیادی مبنایی تعیین معیارهای اخلاقی خواهد بود. به این جهت است که مرامنامه های اخلاقی علی رغم تشابه بسیاری که باهم دارند از یک جامعه به جامعه دیگر می تواند متفاوت باشد.

۳- از آنجا که رشد اخلاقی در انسان با رشد فکری او افزایش می یابد پس همانگونه که «کلبرگ» بیان می کند (کلبرگ، ۱۹۸۴، ص ۱۲۵) قضاوتهای اخلاقی ما به مرور زمان ارتقاء می یابد و در مراحل پختگی کامل از بهترین موقعیت برخوردار خواهد شد. او مراحل ارتقاء اخلاقی را در قضاوتهایمان به سه سطح پیشاعرفی و عرفی و پسا عرفی تقسیم نموده است؛ که در مرحله پیشاعرفی خوب و بد را با تشویق و تنبیه هم تراز می دانیم. در مرحله عرفی قبول عامه مردم و یا اصل طلایی اخلاق یعنی «هرچه را بر خود می پسندی برای دیگران نیز بپسند» تعیین کننده وظیفه اخلاقی خواهد بود. اما در مرحله پسا عرفی خوبی و بدی به خود فعل برمی گردد که فطرتهای پاک به آن واقف می شوند و آن را مبنای تصمیم های اخلاقی خود می گیرند. اما در نظر کلبرگ همه افراد جامعه ضرورتاً تمامی این مراحل رشد را طی نمی کنند. برخی افراد میانسالی می توانند در همان دوران پیشاعرفی کودکانه مانده باشند و بسیاری نیز در مرحله عرفی اخلاقیات را می نگرند و معدود افراد هم هستند که در مرحله پسا عرفی (ویا مرحله پس از آن که می تواند رضایت الهی باشد) ملاک قضاوت اخلاقی شان است. اما این تفاوتها باعث نمی شود که بسیاری از افعال نزد افراد در سطوح متفاوت از نظر اخلاقی متفاوت گردند. با اینکه خوب بودن امانتداری برای کسانی که در مرحله

پیشاعرفی هستند به علت پاداش و جزا است و در مرحله عرفی به علت قبول آن برای عرف جامعه است و برای مرحله بالاتر بخاطر اینکه خود امانتداری کاری پسندیده است، اما این تفاوت نگرش باعث نشده است که امانتداری در نظر برخی خوب و در نظر برخی بد قلمداد شود.

گرچه مرامنامه اخلاقی با رویکرد افراد به اخلاق تغییر چندانی نمی کند ولی اگر مرامنامه اخلاقی بگونه ای تنظیم گردد که بتواند افراد را به سمت نگرش متعالی در اخلاق سوق دهد کار بزرگ دیگری نیز انجام شده است.

۴- در تدوین مرامنامه های اخلاقی ملاحظات نظری بسیاری مورد توجه قرار گرفته است و در نتیجه یک دستورالعمل اخلاقی تنظیم گردیده است. این مباحث تخصصی کار اندیشمندان یک حوزه پس از تجزیه و تحلیل های بسیار است و در نهایت در مرامنامه به صورت وظایف اخلاقی مشخص می گردد. اصلا مرامنامه اخلاقی برای آن تنظیم شده است که غیرمتخصصان نیازی به کنکاش نظری در مباحث نداشته باشند و مجموعه آیین نامه های عملی را برای کار خودشان داشته باشند. لذا نمی توان توقع داشت در مرامنامه های اخلاقی علت یک دستور بیان گردد. بلکه کدهای اخلاقی یکی پس از دیگری می آید.

۵- بدیهی است از مرامنامه اخلاقی نباید توقع داشت که در متخلق نمودن افراد اهل علم نقشی مهم داشته باشد. اگر چه مرامنامه های اخلاقی بسیاری باورهای اخلاقی ما را از ناخودآگاه به خودآگاه می آورد ولی برای اینکه فردی پایبند به اخلاقیات در علم باشد روشهای دیگری می طلبد که باید در جای خود آورده شود.

۵- مراحل تدوین مرامنامه اخلاقی در علم

دانش بشری شاخه های متعددی یافته است که هر یک اقتضائات خاص خود را دارد. لذا برای تدوین مرامنامه برای تمامی رشته علمی نمی توان از یک مرامنامه خاص استفاده کرد ولی می توان الگویی ارائه نمود که بتوان با آن الگو مرامنامه خاص هر رشته علمی را تنظیم کرد. برای تدوین مرامنامه مراحل باید طی شود تا به مرامنامه خاص آن رشته رسید. در این جا در نظر است مراحل که باید طی شود تا مرامنامه یک رشته علمی تدوین گردد برشمرده شده توضیح داده شود:

مرحله اول: یافتن مواردی که نیاز به تصمیم اخلاقی دارند.

از آنجا که اخلاقیات در روابط مختارانه انسانی شکل می گیرد لذا در اولین مرحله باید بررسی شود که چه روابط انسانی در یک شاخه علمی رخ می دهد که در آن فرد باید تصمیمی از روی قصد بگیرد. هم اکنون در دنیای علم معمولا فعالیت های علمی انسانی در زمینه تولید علم، ارتقاء علم، نشر علم، آموزش علم، کاربرد علم رخ می دهد. در هریک از این دسته فعالیتها روابطی بین افرادی که مشارکت در تولید یک علم دارند وجود دارد که می تواند منجر به برخی چالشهای علمی شود. در نتیجه ابتدا باید افرادی که بنحوی اراده شان در هریک از این شاخه ها تاثیر گذار است مشخص گردند تا در باره روابط آنها بررسی اخلاقی انجام پذیرد. بدیهی است که امری مثل تولید علم فی نفسه روابط چندانی ندارد ولی استلزامهای مهمی دارد که آن استلزامها مسائل اخلاقی را بین مشارکت کنندگان پدید می آورند.

این عوامل انسانی را می توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- تولید علم: نسبت مولد علم با خودش

نسبت مولد علم با تامین کننده مالی تولید علم

نسبت مولد علم با جامعه علمی اش

نسبت مولد علم با همکارانش

نسبت مولد علم با نتایج انسانی علم

نسبت مولد علم با انتشار یافته های علمی

۲- ارتقاء علم: در ارتقاء علم همان نسبت های قبلی در تولید علم وجود دارد ولی نسبت هایی دیگر هم

قابل احصاء است مثل:

نسبت پژوهشگر با پژوهشگران پیشین

نسبت پژوهشگر با پژوهشهای مرتبط

پژوهشگر و انسجام رفتاری وی در پژوهش

نسبت داوران پژوهش و پژوهشگر

نسبت پژوهشگر با ابزارهای پژوهش و تامین کنندگان آنها

۳- نشر علم: نسبت ناشر علمی با پژوهشگر

نسبت مسائل مالی نشر با ناشر و پژوهشگر

نسبت ناشر علمی و علاقمندان دریافت علم

۴- آموزش علم: نسبت استاد و شاگرد

نسبت استاد با منابع علمی

نسبت استاد با تامین کنندگان مالی اش

نسبت استاد با سازمان آموزشی وابسته به آن

نسبت شاگرد با سازمان آموزشی

نسبت استاد و شاگرد با اهداف آموزش در جامعه

۵- کاربرد علم: نسبت تولید علم با کاربرد آن در جامعه

نسبت کاربرد علم و منافع جامعه

نسبت کاربران علم و تولیدکنندگان علم

نسبت کاربرد علم و محیط زیست

اگر بخواهیم فعالیتهای عمده ای که امروزه در علم می شود و نیاز به بررسی برای اخلاقیات دارد ذکر کنیم می توان به اخلاق در پژوهش، اخلاق در آموزش، اخلاق در استفاده از علم دسته بندی کنیم.

حال در مرحله اول در شاخه علمی که در نظر داریم مرامنامه اخلاقی آن را تدوین کنیم باید کنکاش کنیم چه روابط انسانی وجود دارد که می تواند در آنها چالش بوجود بیاید. بدیهی است بسیاری از رفتارهای علمی اتفاق می افتد که بطور معمول تمامی دست اندرکاران آن رفتار طبیعی اخلاقی برای آن خواهند داشت. ذکر این موارد که تحت قوانین عام اخلاقی است در مرامنامه فقط در حد تنظیم وظایف و ایجاد حساسیت اخلاقی (بنا بر نظریه جیمز رست) است. تمامی دانشمندان می دانند که نباید در ارائه مطالبشان دروغ بگویند. تمامی آموزش دهندگان علم می دانند نباید از آموزش بیننده بهره برداری کرد. همه قبول دارند که کاربرد علم نباید باعث ضرر به جامعه گردد. تمامی ناشران علم می دانند که حقوق پژوهشگر باید داده شود. تمامی داوران پژوهشهای علمی می دانند که باید عدالت را در قضاوت خود در نظر بگیرند و حب و بغض های شخصی را در قضاوت خود دخالت ندهند. آموزش بیننده می داند که در مواجهه با آموزش دهنده باید احترام را رعایت کند. امانتداری برای ناشر لازم است. اما در مقام برشمردن وظایفی که اغلب ذکر نمی شود می توانند کاربرد داشته باشند.

آنچه که برای مرامنامه اخلاقی مهم است برشمردن چالشهایی است که در روابط انسانی در علم بوجود می آید. لذا در این مرحله با در نظر گرفتن نسبتهای انسانی پیش گفته باید دیده شود چه ابهامهای اخلاقی در این روابط وجود داشته است که می تواند باعث سردرگمی اخلاقی گردد. چه تعارضهایی بین ملاکهای اخلاقی در یک رفتار علمی می تواند پیش بیاید که باعث دوراهی های اخلاقی گردد. مثلا گاهی صفت اخلاقی نشر آزاد علم با رازداری در یک پژوهش علمی در تعارض واقع می شود. یا صداقت موجب تخریب شخصیت عالمی دیگر گردد. یا تعهد دانشمندی به کارفرمایش با صداقت او در افشای کارهای مضر آن کارفرما در تعارض قرار می گیرد. یا احترام به استاد با مقابله با رفتارهای غیراخلاقی او برای شاگرد تعارض اخلاقی بوجود آورد. برشمردن دسته بندی کردن این چالشهای اخلاقی مرحله اول تدوین مرامنامه است.

برای یافتن انواع معضلات اخلاقی نمی توان صرفا با بررسی نظری به نتیجه رسید. این امری استقرائی است که باید با بررسی واقعیتهای رخ داده آنها را شناخت. به همین منظور از راههای مختلفی می توان به این چالشهای اخلاقی دست پیدا کرد:

۱- گاهی می توان با مصاحبه های عمیق با کسانی که سالیان درازی در یک بخشی از فعالیت علمی بوده اند و انواع نسبتهایشان با دیگر دست اندرکاران علم را بخوبی تجربه نموده اند، به یافتن این چالشها رسید.

۲- گاهی نیز می توان انواع نسبتها را بطور نظری و در پیش اندیشی موارد احتمالی در نظر گرفت چه چالشهای بالقوه ای در آن روابط می تواند رخ دهد، سپس این امکان را با دست اندرکاران مطرح نموده و تحقق انضمامی آن را بررسی کرد.

۳- گاهی نیز با تحقیقهای میدانی می توان برخی از این چالشها را پیدا کرد.

۴- گاهی نیز می توان از کسانی که در فرهنگهای دیگر نمونه هایی از این چالشها را ذکر کرده اند پرسید و یا از نوشته هایشان فهمید که چه چالشهای اخلاقی می تواند در یک شاخه علم رخ دهد که نیاز به تعیین ملاکهای اخلاقی است. سایر تحقیقات نیز می توانند مسائلی را جلوی پای ما قرار دهند تا بر اساس آن بتوان یک یک چالشها را پیدا کرد. این مرحله استقصائی است و باید متناسب با واقعیتهای انضمامی دست پیدا کرد.

مرحله دوم: مشخص ساختن دست اندرکاران نیازمند به کدهای اخلاقی

از آنجا که دستورالعملهای اخلاقی ناظر به یک فاعل انتخابگر است لذا این دستورالعملها باید به افراد انسانی راجع باشد. بدین جهت در ابتدا کلیه دست اندرکاران فعالیتهای اختیاری در فرآیند تولید، نشر، آموزش، پژوهش و کاربرد باید مشخص گردند تا وظیفه اخلاقی هر ذینفعی بطور مجزا و دسته بندی شده ارائه گردد. در این مرحله دسته افرادی که هر یک فعالیت خاصی را در علم به عهده می گیرند باید معین گردند تا بتوان وظیفه اخلاقی هر فرد را با توجه به نوع فعالیتش مشخص ساخت. توجه داریم که با اینکه بسیاری فعالیتها در علوم مختلف مشابه است و در نتیجه دست اندرکاران آنها مانند یک دیگر هستند ولی علوم مختلف با توجه به محدوده فعالیتشان دست اندرکاران متفاوتی می توانند داشته باشند. مثلا در مدیریت نقش مدیران یک سازمان بسیار مهم است و باید به عنوان دست اندرکار ویژه برای این علم دارای دستورالعمل اخلاقی باشد در حالی که این نقش در رشته ای مثل زیست شناسی چندان اهمیت بالایی ندارد. یا در رشته ای مثل صنایع کارگر نقش خاصی را ایفا می کند که در فیزیک چندان وجهی برای آن وجود ندارد.

در کل دست اندرکاران یک رشته علمی دو نوع هستند: یا دست اندکار مشابه در تمامی علوم و یا دست اندرکار خاص متناسب با آن رشته. برای کلیه علوم ذینفعان ذیل را می توان دست اندرکار مشابه برای تمامی شاخه های علوم در نظر گرفت:

(۱) پژوهشگر،

(۲) آموزش دهنده،

(۳) آموزش گیرنده،

(۴) توزیع کننده علم یا ناشر،

(۵) داور و ارزیاب علمی،

(۶) تامین کنندگان مالی در علم،

(۷) کاربر

پس از تعریف مشخصی که در هر یک از علوم از عناوین فوق ارائه می شود، هر شاخه علمی باید سایر دست اندرکاران مهم علم خویش را که در قالب اشخاص فوق نمی گنجد و در آن علم خاص باید به آن توجه داشت معین کند تا وظایف اخلاقی آنها نیز در آن علم تدوین گردد. این افراد می توانند عناوینی همچون عناوین ذیل داشته باشند:

(۱) مدیران،

۲) پژوهش شوندگان،

۳) کارگران،

۴) تکنیسین ها،

۵) طراحان،

۶) دریافت کنندگان خدمات علمی (مثل بیماران) و..

در تدوین مرامنامه اخلاقی وظایف اخلاقی بر اساس هریک از دست اندرکاران فوق متناسب با چالشهای اخلاقی که با آن مواجه می شوند معین می گردد و با این تقسیم بندی حیطه وظایف هر دسته از افراد مشخصا اعلام می گردد.

مرحله سوم: بازشناختن چالشهای اخلاقی در آن علم

از آنجا که در نظر است وظایف اخلاقی هر دسته از ذینفعان بطور مجزا تنظیم گردد لذا باید در نسبتهایی که در مرحله اول گفت نسبتهایی که هر یک از دست اندرکاران با سایر عوامل انسانی دخیل در علم دارند مورد شناسایی قرار گیرند و با توجه به چالشهای گفته شده در مرحله دوم، نسبت به تعیین انواع چالشهای اخلاقی که هر یک از دست اندرکاران با سایر عناصر دخیل در علم می توانند داشته باشند اقدام گردد. این چالشها مبنای تصمیم گیری درباره وظایف سلبی و ایجابی هر دسته از افراد خواهد بود. مثلا چالشهایی که پژوهشگر می تواند با توزیع کننده یا ناشر علم داشته باشد، یا چالشهایی که می تواند با تامین کنندگان مالی پژوهش داشته باشد، یا چالشهایی که امکان دارد با پژوهش شونده انسانی یا حیوانی برای او پیش آید، یا چالشهای احتمالی با داوران و ارزیابان پژوهش

برای او متصور است، یا مشکلات اخلاقی که در نسبتش با استفاده کنندگان از آثار پژوهشی اش می تواند داشته باشد و غیره. بدیهی است هریک از این چالشها، نشان می دهد که چه نوع دستورهای اخلاقی باید محور توجه باشد (مثل صداقت، رازداری، سودمندی، رعایت حریم خصوصی و غیره). با این دسته بندی بخوبی می توان نقشه راهی را بازشناخت که باید در تدوین مرامنامه اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

مرحله چهارم: تعیین اصول اخلاقی

از مجموعه اخلاقیاتی که دست اندرکاران یک علم باید به آنها توجه داشته باشند برخی عناوین اخلاقی هستند که می توانند به عنوان اصول اخلاقی منشا سایر اخلاقیات دانسته شوند. با توجه به انواع چالشهای اخلاقی و راه حلهای اخلاقی چالشها می توان به چند اصل رسید که مبنای اصلی بقیه دستورالعملهای اخلاقی هستند. در این مرحله این اصول بازشناخته شده و معرفی می گردند. مثلا در اخلاق پزشکی برخی اصول چهار گانه ذیل را مبنا دانسته اند (لاریجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸):

(۱) احترام به اختیار انسانها،

(۲) سود داشتن کارها،

(۳) ضرر نرساندن به دیگران،

(۴) عدالت.

یا در اخلاق در فضای مجازی با رویکرد اسلامی موارد ذیل را اصول این اخلاق دانسته شده است (آیت الهی، مرامنامه اخلاقی در فضای مجازی):

۱- صداقت

۲- حفظ حریم خصوصی و امتناع از غیبت

۳- امنیت و ضرر نزدن مادی و معنوی به دیگران

۴- امانتداری و احترام به حقوق دیگران

۵- حفظ حریم هنجارهای عرفی و دینی

۶- نیت درست اخلاقی

۷- اصل سودرسانی و کمک به رشد و تعالی دیگران

بیان این اصول پس از آن است که انواع مواجهه های اخلاقی در علم مورد نظر استقصا شده و اصول عام اخلاقی را بر اساس آن بتوان بدست آورد. درست است که مرامنامه اخلاقی برای برطرف کردن چالشهای اخلاقی تنظیم می شود ولی از آنجا که اخلاقیات امری ایجابی است لذا بجای ذکر انواع چالشهای اخلاقی عمده که در یک علم بوجود می آید و امری سلبی است مناسب است که از فضایل اخلاقی که برای برطرف کردن آن مشکل لازم است اسم برده شود نه بد اخلاقی ها، تا خود بیان اصول نیز در جهت ترغیب به خوبیهها تنظیم شده باشد.

مرحله پنجم: تعیین رویکرد مبنایی در اخلاق

اصول عام اخلاقی پیش گفته، علی رغم پذیرش در بادی امر برای فطرت انسانی و قاطبه انسانها، ولی در فرهنگهای گوناگون و با بینش های بنیادی متفاوت تعریف و حدود متفاوتی پیدا می کنند. مثلا در تفکر اخلاقی نتیجه گرا، صداقت با معیارهای نتایج آن سنجیده می شود در نتیجه محدوده ای خاص پیدا می کند که دیگر در آن غرض عامل اخلاقی اهمیتی ندارد در نتیجه اصول اخلاقی بگونه ای تعریف می شود و تنظیم می گردد که این مبنای فکری را تامین کند. یا در یک تفکر لیبرالیستی عناصر توجه به آزادی های

فردی از عدالت جلوه بیشتری می یابد در حالی که برای کسانی که تفکر سوسیالیستی دارند عدالت ارزش والاتری را نسبت به آزادی های فردی دارد. یا پیروان اخلاق سکولار برخی اصول را بگونه ای می بینند که قائلان به اخلاق دینی آنگونه باور ندارند.

اما بحث و جدل درباره مبنای صحیح اخلاقی مثلا در فلسفه اخلاق چالشی نظری است که تا کنون در معرض جدلهای طولانی مدت قرار گرفته است و پیش بینی نمی شود بتوان در آن به اجماعی رسید. از آنجا که اخلاق با رفتارهای امروز و اینجایی و فوری انسانها سروکار دارد و نمی توان منتظر حل این چالشها برای تصمیم گیری اخلاقی شد، لذا بجای بحثهای نظری دور و دراز، بهترین کار آن است تنظیم کنندگان یک مرامنامه اخلاقی براساس بیش بنیادی که دارند ابتدا یک تعریفی از مبانی نظری خود ارائه دهند تا جامعه ای که آن بیش را می پذیرد بتواند مبتنی بر آن اصول اخلاقی و سپس دستورالعملهای خاص اخلاقی را تدوین نماید. ولی ضرورت دارد تنظیم کنندگان یک مرامنامه اخلاقی ابتدا تعاریفی را از اصول اخلاقی بطور مشخص ارائه کنند تا میان جامعه علمی به عنوان اصل متعارفی پذیرفته گردد.

در این مرحله ضرورت دارد تهیه کنندگان مرامنامه مبانی نظری خودشان را در اخلاق مشخص سازند. مثلا در تفکر اسلامی باید ابتدا مشخص گردد که منظور از اخلاق با رویکرد اسلامی چیست و در یک فرهنگ بخصوص چگونه حدود آن تعریف می گردد. نگرش اخلاقی در جامعه ای شیعی، با جامعه ای که نگرش اشعری را پذیرفته تفاوت می کند (علی رغم پذیرش بسیاری مشترکات). در این مرحله، باید مرامنامه اخلاقی بجای کلی گویی دقیقا مشخص سازد که نگرش خاص مورد توجه در آن مرامنامه چه تفاوتهای معینی با سایر تفکرات اخلاقی دارد و وجه تمایز آن چیست، تا دانسته شود بر اساس چه مبنایی این مرامنامه شکل گرفته است. مثلا در جامعه ما ضرورت دارد پیش از ارائه مرامنامه ویژگی های رویکرد ایرانی - اسلامی یا شیعی به اخلاق مشخصا بیان گردد و اشاره ای هم به تمایز آن با سایر نحله های اخلاقی

بشود تا معلوم گردد اصول اخلاقی ذکر شده با چه مبنایی تهیه شده و چگونه محدودده آن مشخص می گردد.

مرحله ششم: تدوین مرامنامه اخلاقی در آن علم

در این مرحله مجموعه دست آوردهای پیشین باید پردازش شوند تا بطور منظم و دسته بندی شده وظایف اخلاقی در آن علم معین گردد. در دسته بندی اولیه ذینفعان آن شاخه علمی یک به یک معین گردند تا بر اساس نوع فعالیت هریک از دست اندرکاران بتوان وظایف اخلاقی آنها را مشخص کرد.

سپس چالشهایی که هریک از این دست اندرکاران با آن مواجه می شوند و در در مرحله اول ذکر شد در یک مجموعه گردآوری می گردد. حال با توجه به مبانی تفکر اخلاقی که در مرحله پنجم مشخص شده است باید تکلیف اخلاقی آن ذینفع را در یک یک چالشها معین نمود و مجموعه دستورالعملهای اخلاقی که آن ذینفع در محدوده فعالیت خود در آن علم دارد بدست آید. این مجموعه برای یکایک ذینفعان نیز به همین طریق معین می گردند تا کلیه کدهای اخلاقی مربوط به آن رشته علمی (و در واقع، فعالان در آن رشته علمی) تدوین گردد.

از این مرحله به بعد با دسته بندی مطالب در یک مجموعه منسجم و با ویراستاری مناسب، به مرامنامه اخلاقی آن رشته علمی دست پیدا خواهیم کرد.

بطور خلاصه مراحل اجرایی تدوین کدهای اخلاقی در هر علمی را می توان به شرح ذیل تنظیم نمود:

مراحل منطقی و اجرایی برای تدوین مرامنامه اخلاقی در علم

مرحله اول: یافتن مواردی که نیاز به تصمیم اخلاقی دارند.

تعیین نسبت هرفعالیت علمی با سایر فعالیتها در زمینه تولید علم، ارتقاء علم، نشر علم، آموزش علم، کاربرد

علم

مرحله دوم: مشخص ساختن دست اندرکاران نیازمند به کدهای اخلاقی

دست اندرکاران عام: (۱) پژوهشگر، (۲) آموزش دهنده، (۳) آموزش گیرنده، (۴) توزیع کننده علم یا ناشر،

(۵) داور و ارزیاب علمی، (۶) تامین کنندگان مالی در علم، (۷) کاربر

دست اندرکاران خاص: (۱) مدیران، (۲) پژوهش شونده، (۳) کارگران، (۴) تکنیسین ها، (۵) طراحان،

(۶) دریافت کنندگان خدمات علمی (مثل بیماران)

مرحله سوم: بازشناختن چالشهای اخلاقی در آن علم

مرحله چهارم: تعیین اصول اخلاقی

همانند (۱) صداقت، (۲) حفظ حریم خصوصی، (۳) امنیت و ضرر نزدن مادی و معنوی به دیگران، (۴)

امانتداری و احترام به حقوق دیگران، (۵) حفظ حریم هنجارهای عرفی و دینی، (۶) نیت درست اخلاقی،

(۷) اصل سودرسانی و کمک به رشد و تعالی دیگران

مرحله پنجم: تعیین رویکرد مبنایی در اخلاق

مثل تبیین نگرش اسلامی - ایرانی به اخلاق

مرحله ششم: تدوین مرامنامه اخلاقی در آن علم

۱- بر اساس دیدگاه کلبرگ، رشد اخلاقی انسان از یک روند صعودی برخوردار است. انسان در طفولیت قضاوت‌های اخلاقی خود را براساس تنبیه‌های بیرونی سپس منافع شخصی انجام می‌دهد که او این مرحله را پیش‌اعرفی می‌نامد، در مرحله عرفی او یا قضاوتش را براساس جامعه متعلق به آن تنظیم می‌کند و سپس قانون کلی اجتماعی مبنای تصمیمات اخلاقی او خواهد بود که او به این مرحله عرفی می‌گوید. اما اگر فرد بر اساس ملاک‌های فطری خود در اخلاق و صرف خوب و بد بودن افعال تنظیم کند در نظر او فرد در مرحله پسا عرفی خواهد بود. کلبرگ معتقد است احتمال دارد بسیاری افراد با اینکه سنین بالایی داشته باشند در مرحله‌های پایین‌تر مانده و رشد لازم اخلاقی را نکرده باشند لذا برخی انسان‌های مسن قضاوت اخلاقی شان بر اساس منافع شخصی شان خواهد بود. بدیهی است تصمیم‌گیری‌های اخلاقی این افراد تعارضی آشکار با رشد بالاتر اخلاقی را خواهد داشت. از آنجا که این مشکل رشدی امری طبیعی قلمداد نمی‌شود لذا مرامنامه‌های اخلاقی برای سطح فکری این افراد تنظیم نمی‌گردد، بلکه برای کسانی که در مراحل عرفی و بیشتر پسا عرفی هستند تنظیم می‌گردد. در تدوین مرامنامه نیز از کسانی استفاده می‌شود که خود رشد اخلاقی لازم را داشته باشند یعنی رشدی متناسب با مرحله پسا عرفی داشته باشند به تنظیم مرامنامه اقدام خواهند کرد.

۲- نگارنده، برای مشخص ساختن مبنای اخلاقی بر اساس نگرش اسلامی ایرانی مقاله‌ای را برای اخلاق پزشکی تنظیم نموده است که می‌تواند مدل مناسبی برای تدوین مرامنامه اخلاقی براساس نگرش اسلامی ایرانی باشد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱). این مقاله قبلاً در مجله اخلاق و تاریخ علم منتشر شده است که صرفاً به مقوله اخلاق پزشکی پرداخته است. سپس این مدل در طرحی که برای

تنظیم مرامنامه اخلاقی در فضای مجازی برای مرکز ملی فضای مجازی انجام شده بود نیز تنظیم شد. بنظر می رسد این مدل براحتی قابل تعمیم به کلیه شاخه های علوم است و می توان به عنوان مبنایی مرحله پنجم را با این مقاله تدوین شده دانست و در نتیجه بر آن اساس نسبت به تدوین کدهای اخلاقی در رشته های مختلف اقدام کرد. این مدل برای تنظیم اخلاق در علم نیز بازنویسی شد که به پیوست آورده می شود.

۳- در مرامنامه های اخلاقی از کلی گویی احتراز می گردد، بلکه بیشتر، به مواردی که به علت ابهام، باعث دودلی می گردد پرداخته می شود. متأسفانه برخی مرامنامه هایی که اخیراً منتشر شده است بسیار مختصر بوده و آن چنان کلی هستند که تقریباً هیچ شناخت افزونتری را به ذینفعان نمی دهد در نتیجه این مرامنامه ها جنبه تزئینی پیدا می کنند و نمی توانند برای دست اندرکاران راهگشا باشند. مرامنامه های اخلاقی باید بتوانند ابهامهای اخلاقی را برطرف کنند و مبنایی روشن برای تنظیم روابط بین افراد ارائه دهند بگونه ای که بتوان به خوبی در خصوص یک واقعه ای که اتفاق افتاده است بر آن اساس قضاوت اخلاقی داشت.

۴- مرامنامه های اخلاقی صرفاً روشنگر وظایف اخلاقی افراد هستند ولی تضمینی برای اجرای آن نمی دهند. متخلق بودن به اخلاق، راههای عملی دیگری می طلبد که باید در علوم تربیتی و نهادینه سازی منش اخلاقی به آن پرداخت. لازم است پس از تدوین مرامنامه های اخلاقی، راهکارهایی اجرایی برای پیاده نمودن آن در محیط های علمی ارائه نمود و سپس برای اجرایی کردن آن و فراگیری آن در میان دست اندرکاران آن رشته علمی اقدامهای لازمی را داشت. این نوع کار از حیثه این تحقیق خارج است لذا باید در تحقیقهای دیگر راههایی برای نهادینه سازی منش اخلاقی در فعالان علمی ارائه نمود و بد اخلاقی ها را از جامعه علمی زدود.

۵- دستورهای اخلاقی الزام‌های لازم را برای افراد بوجود نمی‌آورند. در یک محیط اجتماعی که التزام به وظایف اخلاقی اهمیت دارد باید پس از تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی به فکر نظام‌های حقوقی و جزایی برای تثبیت این وظایف بود و بر اساس آن مرامنامه‌ها نه تنها وظایف هر یک از دست‌اندرکاران را مشخص نمود بلکه حقوقی که طرف مقابل او به علت وظیفه اخلاقی نفر اول واجد می‌شود معین نمود و برای احقاق حقوق ناشی از آن برنامه‌هایی را داشت. عدم پایبندی به وظایف اخلاقی، نیاز به نظام‌هایی جزایی نیز در یک رشته علمی داراست که باید پس از معین شدن دستورهای اخلاقی نسبت به تنظیم آن و ضمانت اجرایی آن اقدام گردد.

۶- قالب اصلی منشور اخلاقی مشخص‌کننده باید‌ها و نباید‌ها و غیره است و نمی‌توان آن را به صورت توصیه‌ای و یا تبلیغی ارائه نمود. توصیه‌ها ناظر به روش پایبندی به اخلاق هستند در حالی که مشخص شدن وظایف اخلاقی یک امر است و پایبندی به آن یک موضع دیگر. اولی مربوط به علم نظری در اخلاق است و دومی ناظر به روش‌های تربیتی که درگیر شدن با دومی ابهام‌های چالش برانگیز را برطرف نمی‌کند؛ لذا باید ابتدا وظایف اخلاقی دقیقاً مشخص شوند سپس راهکارهای اجرایی برای تخلق به اخلاق ارائه گردد. بدیهی است ذکر مرامنامه اخلاقی و نصب‌العین داشتن آن خود می‌تواند بگونه‌ای پایبندی به اخلاق را تقویت کند و در مواقعی که بد اخلاقی‌ها ناشی از نبودن حساسیت اخلاقی است در ایجاد حساسیت اخلاقی موثر باشد ولی این نقش دوم نباید نقش تبیین‌کنندگی آن را از بین ببرد.

۷- استفاده از دست‌اندرکاران و همفکری با آنها در فرایند تدوین مرامنامه‌های اخلاقی، موضوعات اخلاقی را از حالت ناخودآگاه آن افراد به خودآگاه تبدیل خواهد کرد و خود دست‌اندرکاران سعی خواهند کرد تا حدود و ثغور دستورات اخلاقی را استنباط کنند. این روش نه تنها به تدوین

مرامنامه کمک خواهد کرد بلکه به تنظیم روابط انسانی و تخلّق به دستورات اخلاقی خواهد انجامید.

۸- تعهد نامه های اخلاقی و فرمانهای اداری اخلاقی در قالبی متفاوت از مرامنامه ارائه خواهد شد؛ چراکه تعهد نامه های اخلاقی برای ایجاد پایبندی به اخلاق تنظیم می گردد نه برای روشنگری وظایف اخلاقی. لذا نباید هر یک بجای دیگری تنظیم گردد (مثلا در مرامنامه اخلاقی نمی توان از واژه هایی همچون «ما قول می دهیم که» و «ما خود را موظف می دانیم که» که یک تعهد شخصی است استفاده کرد)

چهارچوبی برای رویکرد اسلامی به اخلاق در علم

۱- مقدمه:

امکان و معنای رویکرد اسلامی به اخلاق در علم: برای کسانی که مبنای اخلاقشان «امر الهی» است، سخن گفتن از اخلاق دینی امری ساده است؛ چرا که تمامی ملاکهای اخلاقی به فرمان الهی باز می‌گردد. (ریچلر، ۱۳۸۷، ص ۵-۷۴) اما مشکلاتی که این افراد پیش رو دارند مثل استناد صفات حسنه به باری تعالی، آنها را دچار مشکل می‌کند؛ چراکه ملاکی بیرون از امر الهی نیست تا خداوند به آن صفات متصف گردد و از سایر صفات بری دانسته شود. این مشکل همان است که دیدگاه اشعری در عالم اسلام با آن مواجه بود. در مقابل اگر ملاک دستورات اخلاقی را مستقل از خداوند بدانیم با محدودیت قدرت الهی و حاکمیت او مواجه می‌شویم. برخی از معتزله براین باور هستند. در منازعه بین این دو گروه، گروه اول متهم می‌شدند که «توحید صفاتی» آنها دارای خدشه است و گروه دوم نیز بر ناتوانی شان در تبیین «توحید افعالی» تاکید می‌گردید. (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۸-۲۴) در این میان شیعه بر اساس تعالیم امامان خویش از دو وجه افراط و تفریط دوری گزیده و راه میانه‌ای را برگزید که در تبیین «حسن و قبح ذاتی» و «حسن و قبح عقلی» از آسیب فکری به توحید صفاتی و توحید افعالی مبرا گردد. در تفکر شیعی حسن و قبح ذاتی دارای وجودی منحاز همچون مثل افلاطونی نیست بلکه علی‌رغم قطعیتشان همچون اصل عدم تناقض، اعتباری هستند در نتیجه با جعل جاعلی بوجود نمی‌آیند که خالق داشته باشند. راز اشمال عدل در اصول مذهب شیعه نیز از این حقیقت برمی‌خیزد. (ص ۲۹)

در صورتی که برای اخلاق، حسن و قبح عقلی قائل باشیم دیگر با عقل است که باید به سراغ شناخت خوب و بد در اندیشه بشری رفت. در نتیجه، دیدگاه امر الهی دیگر ساری نخواهد بود. از طرف دیگر

کسانی که اخلاق را سکولار بررسی می کنند نیز اندیشه بشری را کافی و وافی برای حصول دستورات اخلاقی می دانند. حال این سوال قابل طرح است که با این ملاحظات آیا می توان از اخلاق دینی به نحو عام و اخلاق اسلامی به خصوص صحبت کرد؟ در آن صورت اسلامیت اخلاق به چه امری خواهد بود؟

در این صورت اخلاق اسلامی با نگرش شیعی چه تفاوتی را با اخلاق سکولار خواهد داشت؟

اخلاق کاربردی در غرب، بر مبانی ای استوار است که با نگرش سکولاریستی مورد ارزیابی و قبول قرار گرفته است. آنچه مسلم است این است که رویکرد اسلامی به اخلاق در علم وجه اشتراک های بسیاری با اخلاق علم معمول سکولار خواهد داشت؛ اما این دو اخلاق در چه اموری باهم تفاوت دارند که با ملاحظات پیش گفته- ویژگی خاص رویکرد اسلامی به اخلاق در علم خواهد شد. در بسیاری تحقیقات فلسفی اخلاق، بررسی هایی در باره ارتباط دین و اخلاق شده است ولی رویکرد جامعی که ناظر به همه ابعاد آن باشد ارائه نشده است. در این مقاله عناصر اصلی وجه تمایز اخلاق اسلامی و سکولار ارائه می- گردد که براساس باورهایی که در خصوص رابطه دین و اخلاق وجود دارد، ویژگی های خاص رویکرد اسلامی به اخلاق در علم (با نگرش شیعی) خواهد بود. قابل ذکر است که برخی از این مولفه ها ممیز رویکرد اسلامی است و برخی از این مولفه ها مقوم آن است. در نتیجه برای ارائه مرامنامه های اخلاقی در علم در جامعه مان باید این مولفه ها اعمال گردد تا بتوان از رویکرد اسلامی به اخلاق در علم سخن گفت. در این نوشتار در نظر است عناصر اصلی رویکرد اسلامی که در تهیه مرامنامه های اخلاقی باید مورد توجه قرارگیرد نشان داده شود، و ملاحظاتی که در تدوین مرامنامه های فوق اهمیت دارد بازنموده شود. امید است به این طریق بتوان کدهایی اخلاقی بر اساس رویکرد اسلامی در علم تهیه گردد که هم عناصر مشترک کدهای اخلاقی را داشته باشد و هم عناصر ارزشی بینش اسلامی را نشان دهد.

۱- اهمیت حسن فاعلی و حسن فعلی - هردو- در اعمال اخلاقی و تقدم ارزشی به حسن فاعلی:

در اخلاق کاربردی سکولار آنچه اهمیت دارد نتیجه عمل یا ارزیابی بر اساس نتایج مثبت و یا منفی عمل است. علی رغم وجود فلسفه های اخلاق و وظیفه گرا، نظام حاکم بر اخلاق تکنولوژی (بطور عام و اخلاق علم بطور خاص) تحت تاثیر نتایج حاصل از یک رفتار اخلاقی و ارزیابی حسن و قبح یک کار بر اساس ملاکهای عملی و سود و زیان اجتماعی و فردی آن است. معمولاً در تدوین مرامنامه های اخلاقی سکولار، اصولی مبنایی (بین ۳ تا ۸ اصل) مبنای تدوین کدهای اخلاقی قرار می گیرد و بر اساس آن بقیه کدهای اخلاقی تنظیم می گردد. در تمامی این اصول اولیه، حسن فاعلی کار که همان نیت و غرض فاعل از انجام کار است مورد توجه قرار نمی گیرد. به عنوان مثال از اینگونه مرامنامه ها، در اخلاق پزشکی سکولار، هیچیک از چهار اصل مبنایی به حسن فاعلی عمل اخلاقی ناظر نیست و گویا تنها نتایج مستحسن یک فعل، مبنای قضاوت در باره اخلاقی بودن یک عمل است. اصل سودمندی کاملاً نتیجه گراست و در آن نیت فاعل در نظر گرفته نمی شود. عدم اضرار و عدالت نیز بر اساس واقعیت های عینی شناخته شده از عمل مورد ارزیابی قرار می گیرد. توجه فاعل فعل اخلاقی به اختیار و آزادی دیگران صرفاً بنا بر اهمیت عملی آن برای بنیان نهادن باید و نباید های اخلاقی است.

در بینش اسلامی، گذشته از اهمیتی که به نتایج حاصل از عمل داده می شود، ارزش عمل به صرف نتایج مثبت آن مورد قضاوت قرار نمی گیرد. «نیت» و قصد باطنی می تواند درجه ارزشی یک فعل را بسیار افزون کرده یا از بین ببرد. (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۴-۱۹۲)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ إِنَّمَا يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَنِيَّاتِكُمْ

«خداوند به ظاهر فعل شما و جلوه عملی آن نمی‌نگرد بلکه به دلها و نیت های شما توجه خواهد

نمود»^۲

از آنجا که در اخلاق سکولار، به سختی می‌توان راهی برای تشخیص نیت باطنی افراد یافت و صرفاً با شرایط عینی و ظاهری می‌توان انگیزه‌هایی را به فاعل فعل نسبت داد که بسیار با نیت باطنی او فاصله دارد، لذا طرح حسن فاعلی افعال که قابل کمی کردن نیست و به آن نمی‌توان دست یافت از ابتدا کنار گذاشته شده است. چرا که اگر ملاکی قابل تشخیص نباشد طرح آن به عنوان ملاک بیهوده و عبث خواهد بود.

از طرف دیگر، حتی اگر بر اساس فلسفه‌های اخلاق وظیفه‌گرا، قصد از انجام فعل برای انجام وظیفه اهمیت یابد این قصد نیز بر اساس انواع اهداف و جهت‌گیری‌های زندگی متفاوت خواهد بود. اخلاق برای اخلاق صرفاً هدف کوچکی خواهد بود که حسن فاعلی را در محدوده جزئی، ارزشمند می‌سازد. اگر هدف از زندگی، تعالی انسان و قرب به خداوند باشد دیگر نمی‌توان هدفی والاتر برای فعل در نظر گرفت. در نظام اخلاقی اسلامی - با در نظر داشتن حسن فاعلی فعل و با در نظر داشتن والاترین هدف زندگی (قرب به خداوند) - هرچه بیشتر، حسن فاعلی فعل، در مقابل حسن فعلی مهم می‌گردد.

نکته مهم دیگر آنکه با توجه به آنکه علم باری تعالی و اسباب وقوف او بر نیت‌های انسانی یکی از مهم‌ترین باورها در اندیشه اسلامی است، و نزد او تمامی زوایای پنهان اندیشه و قصد انسانی قابل ارزیابی

۲ - برای آگاهی از روایاتی که در این باب آمده است نگاه: مصباح، ۱۳۸۴، ص ۸۰-۲۷۹

دقیق است، لذا ذکر این ملاک نه تنها بیهوده نخواهد بود بلکه می تواند جلوه های متفاوت فعل اخلاقی را نشان دهد.

در یک اخلاق علم با رویکرد اسلامی نمی توان به صرف نتایج مثبت فعل اکتفا کرد، بلکه برنامه های جدی برای بالابردن فعل اخلاقی از جهت نیت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، آموزش های معمول اخلاق در علم، صرفاً به نشان دادن هنجارهای اخلاقی و تربیت پژوهشگران، استادان و کاربران علم که بر اساس آن هنجارها رفتارکنند منحصر شده است. در حالی که روش های آموزشی و تربیتی مستقل دیگری نیز باید برای رشد حُسن فاعلی و بالا بردن درجه آن، در میان تمامی ذینفعان علم در نظر گرفته شود، تا این دو در کنار هم به رشد اخلاقی دست اندرکاران علم بینجامد.

از طرف دیگر باید در بازنویسی دستورالعمل های اخلاقی در کلیه موارد سعی نمود تا در کنار هر دستورالعمل فعل اخلاقی، دستورالعملی نیز برای نحوه دخالت نیت فرد در نظر گرفته شود. اگر صداقت در ارائه اطلاعات و رعایت حریم خصوصی افراد در علم فعلی نیکوست که تمامی دست اندرکاران باید به آن پایبند باشند، باید برای نیت افراد در پایبندی به این اصول اخلاقی نیز برنامه ای گذارده شود و این دو (عمل و نیت) در یک مجموعه بهم وابسته، اخلاقی بودن فعل را تضمین نماید.

۲- حُسن افعال اخلاقی ذاتی است ولی به علت محدودیت های عقل بشری، او برای تعیین حدود آن نیازمند به وحی است.

در نگرش اسلامی به اخلاق در علم باید توجه داشت که دین مبنای خوب بودن یا بد بودن فعلی نیست. نظریه امر الهی نمی تواند ملاک حسن و قبح عمل باشد. اعمال اخلاقی خود ذاتاً خوب هستند و چون خوب هستند مورد امر الهی قرار گرفته است. (الطوسی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۷) لذا بشر می تواند با عقل خویش و بر اساس فطرت خود به حُسن و قبح اعمال وقوف یابد. ولی همان عقل در موارد بسیاری به ناتوانی

خود در تشخیصِ تفصیلیِ حُسن و قُبْحِ اعمال اقرار می کند. (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) عقل عملا می یابد که بسیاری عوامل، در خوب دانستن یا بد دانستنِ عملی، دخالت می کنند که خود دیدگاههای بسیار متفاوتی را برای قضاوت پیش می کشد. از طرف دیگر، انسان نیز بر اساس فطرت خویش نمی تواند به نسبی گرایی چنگ زند، لذا به شدت خود را محتاج عقلی فرانسائی می یابد تا در این موارد که ناگزیر از انجام یکی از شقوق مختلف است او را کمک کند.

بسیاری اعمال در شرایطی به نظر برخی اندیشمندان سکولار خوب می آمده است ولی پس از دهها سال یا چند قرن، عواقب نامطلوب آن مشخص شده است (عواقب زیست محیطی تکنولوژی و انسان محوری در استفاده از علم در ابتدای قرن بیستم اصلا مورد توجه انسان نبوده است، درحالی که این امر در اول قرن بیست و یکم ملاک های حُسن و قُبْحِ پیشرفت علمی را بکلی دگرگون نمود) و بشر به علت محدودیت آگاهی خود، مخصوصا از عواقب آینده رفتارهای خویش، محتاج عقلی است که به آینده و نتایج آن در کل جامعه بشری و در یک نظام هماهنگ و منسجم از امور مطلوب و خیر و قوف داشته باشد. چون اینگونه آگاهی از آینده فقط در حیطه امور الهی است، لذا برای تشخیص موارد تفصیلی، نیازمند وحی است، و وحی باید ملاکی برای معرفت به تفصیل امور خیر باشد. برنامه ریزی برای تدوین دستورالعمل های اخلاقی در علم در اجمال خیر و شر کارها به عقل انسانی متکی است و در تفصیل امور باید وحی و دستورالعمل های دینی بر آن تائید زند. به همین جهت است که رویکرد اسلامی به اخلاق در علم در بسیاری موارد که مبتنی بر ملاحظات اولیه عقل است با رویکرد سکولار تفاوت چندانی نمی کند و می توان در این زمینه از تجربیات تنظیم مرامنامه های اخلاقی در علم که در جوامع غیر اسلامی وجود دارد بخوبی استفاده کرد، اما باید توجه داشت که این مرامنامه ها مسائل بنیادین دیگری را مغفول دارند که در رویکرد اسلامی به آنها باید توجه شود.

۳- وحی نیز دستورات کلی ارائه می کند و تطبیق دیدگاه الهی با مسائل جزئی توسط عقل انسانی میسر است.

فهم وحی نیز تابع قواعدی است که با حجیت عقل میسور است. از آنجا که وحی خود برخی جنبه ها را به عقل دانشمندان ارجاع داده است در آن موارد باید تابع عقل بود.

پس از آن که دستورالعمل های اخلاقی با وحی سنجیده شد و خارج از حیطه مجاز وحی نبود، برای تشخیص موارد جزئی تر، خود وحی به عقل انسانی ارجاع داده است. لذا علی رغم ضرورت تایید وحی، وقوف به امر و حیانی با اجتهاد میسر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، صص ۳-۱۳۱) در اینگونه موارد نمی توان صرفاً با ظاهر وحی به مطابقت با وحی پی برد. بدین جهت امور مختلفی همچون عقل در محدوده وحی و مصلحت های بشری که مورد تایید عقل قرار گیرد در اجتهاد برای پی بردن به دستور وحی ضرورت دارد. در نتیجه، حضور انواع فعالان در علم، نقشی تعیین کننده در تشخیص اجتهادی خواهند داشت. این اجتهاد باید حاصل تعامل فکری علمای دینی، دست اندرکاران و متخصصان علم، حقوقدانان، علمای اخلاق و فیلسوفان باشد.

برای تعیین موارد خاص یا مسائل مستحدثه در موارد اخلاقی در علم، حضور مجموعه ای از متخصصان فوق ضرورت دارد که با محوریت علمای دینی و تعیین مصادیق با محوریت دست اندرکاران علم باید نسبت به ارزیابی اخلاقی افعال خاص تصمیم گیری شود. در اینگونه موارد تشکیل کمیسیون های خاص اخلاقی در مجامع علمی و فناورانه اهمیت دارد.

۴- اگرچه اعتقاد به خداوند عالم مطلق و قادر مطلق موجب یافتن علل طبیعی می گردد که نظام حکمت الهی را نشان می دهد و همچنین موجب توانایی برای تسلط بر طبیعت می گردد، ولی این

زمینه مساعد، هر نوع علم و یا تکنولوژی را خارج از ربوبیت الهی مجاز نمی شمارد. اندیشمندان در بررسی زمینه‌های پیشرفت علمی، بستر ادیان ابراهیمی را بخاطر اعتقاد به خداوندِ عالم مطلق و قادر مطلق و همچنین تشویق و هدایت انبیا به درک رموز عالم بسیار مهم دانسته اند. چرا که طبیعت، مقهور علم و قدرت الهی است و پیش فرض یافتن نظم عالمانه عالم (که برخاسته از اعتقاد به علم مطلق الهی است) و تسلط قدرتمندانه بر آن (که برخاسته از باور به قدرت مطلق الهی است)، زمینه را برای خودباوری بشر ایجاد نمود. اما این بستر نمی تواند انسان را برای هرگونه تسلط بر طبیعت یله و رها بگذارد، بلکه در اعمال تسلط او بر طبیعت باید به غیر از آموزه های دینی به دستورالعمل های وحیانی نیز توجه داشته باشد. (آیت الهی، ۱۳۸۳، ص ۷۱) همین امر مسائل اخلاقی مربوط به محیط زیست را در شاکله تفکر دینی قرار می دهد. آموزه های بنیادین دینی وقتی کارساز خواهند بود که در پیروی فقهی نیز پایبندی ایجاد نماید.

مولفه های معنوی

۱- ارزش اصلی در احکام اخلاقی، قرب به خداوند و رشد معنوی و مادی او در این راه است. همین امر موجب شده است که نظام اخلاقی سکولار که در آن ملاک حسن و قبح اعمال صرف آسایش و رفاه انسانهاست نتواند ملاک ارزیابی جامعی به حساب آید.

یکی از مهم ترین چالش های نظام اخلاقی دینی با نظام ارزشی سکولار نحوه نگرش هریک به انسان و نیازهای او و هدف او از زندگی است. همین امر مسائل بسیاری را در نظام اخلاقی دینی کاملاً متفاوت با نظام ارزشی اومانستی ایجاد کرده است. برای ارزیابی اخلاقی امور مختلف علم نمی توان به صرف رفاه،

سلامتی جسمی و لذت انسانها توجه داشت، بلکه باید برای مجموعه رشد معنوی و مادی فرد برنامه ریزی صورت گیرد. (مشکینی، ۱۳۸۳، ص ۱۳) از آنجا که در جهان‌بینی اسلامی مهم‌ترین هدف انسان در زندگی، قرب الهی است اولاً، باید قصد انجام هر عمل اخلاقی در میان دست‌اندرکاران علم برای رضای خداوند جهت دهی شود؛ (مطهری، ۱۳۶۲، صص ۸۴-۶۹) ثانیاً، خوبی یا بدی کلیه فعالیتها در علم باید با مجموعه رشد مادی و معنوی او سنجیده شود. مثلاً اگر سخن از حفظ حریم خصوصی افراد در علم می‌شود این حفظ حریم خصوصی نباید آسایش و لذت فرد را فراهم کند ولی به تخریب معنویت فرد منجر گردد. وقتی صحبت از عدم اضرار می‌شود نه تنها زیان جسمانی که عدم اضرار معنوی هم باید مد نظر باشد. در نتیجه هرگونه فعالیت در علم نه می‌تواند ایجاد مانع برای رشد معنوی کند و نه به فساد دینی فرد بینجامد.

۲- برای تشخیص اخلاقی بودن اعمال خاص در علم، باید از نتایج حاصله که هم رفاه و آسایش فرد را در نظر بگیرد و هم رشد معنوی او را مورد توجه قرار دهد ارزیابی داشت. هرگونه تصمیم‌گیری در باره حسن و قبح اعمال جزئی با در نظر گرفتن مصلحت‌هایی که ناشی از نتیجه عمل است منوط به بررسی عقلایی نتایج حاصل برای فرد و جامعه است که این امر در اجتهاد متبلور است. در تشخیص حسن و قبح فعلی عمل (نه فاعلی آن) نمی‌توان به صرف یک دستورالعمل اخلاقی بسنده کرد، بلکه این دستورالعمل باید با کلیه عواقب و نتایج حاصله از آن در جامعه سنجیده شود. لذا باید همواره بررسی‌های تفصیلی از نتایج یک فعل توسط مجموعه‌ای از متخصصان انجام پذیرد تا آثار اجتماعی و فردی یک دستورالعمل به دقت جمع‌بندی گردد. این ملاحظه بدین معناست که اگرچه نگرش اخلاقی در تفکر اسلامی، صرفاً نتیجه‌گرا نیست، ولی ملاحظات نتیجه‌گرایانه در آن اهمیت دارد؛ و راه وظیفه‌گرایی صرف را نیز دنبال نمی‌کند. نگرش اخلاقی که در سنت اسلامی توصیه گردیده است به رویکرد

فضیلت گرایانه در اخلاق بیشتر قرابت دارد. چرا که در رویکرد فضیلت گرایانه هم به تفاوت های فردی توجه می شود، و هم به زمینه های اجتماعی، فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه دقت می گردد، و هم به صرف تعیین وظیفه اکتفا نمی گردد، بلکه تعلیم و تربیت برای متخلّق شدن افراد به ارزشهای اخلاقی نیز با جدیت دنبال می گردد. مجموعه آموزه های دینی در این زمینه دغدغه اسلام را برای تحقّق اخلاق در جامعه نشان می دهد. البته این شاخص وجه ممیّز اخلاق دینی و اخلاق سکولار نیست بلکه وجه مقومّ اخلاق دینی است.

۳- در نگرش اسلامی به اخلاق در علم، دنیا به عنوان مهمترین بستر رشد معنوی انسان نگریده می شود و در نتیجه رشد مادی افراد نیز مهم است.

برخلاف مسیحیت (مخصوصاً در قرون وسطی) دنیا گریزی امر پسندیده ای نیست. در نظام اخلاقی اسلام، برآوردن تمامی نیازهای غریزی و فطری انسان بطور متعادل در نظر گرفته شده است.

وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَا

و آن دنیاگریزی را که آنها (مسیحیان) بدعت کردند مانوشتیم و مقرر نکرده بودیم

هرگونه برنامه ریزی اخلاقی که برخی جنبه های نیاز انسانی را مغفول داشته باشد انسان را از تعادل تمامی قوای انسانی خارج خواهد ساخت. لذا دستورهای اسلامی، راههای طبیعی و آسان برآوردن کلیه نیازهای بشری، چه مادی و چه معنوی، نشان داده شده است.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

بگو چه کسی زینتهای (دنیايي) را که خداوند برای بندگانش فراهم کرده است حرام نموده است؟

برآورده شدن نیازهای جسمانی و مادی بشر به عنوان شرط لازم و مقدمه ضروری رشد معنوی نگریده می شود و به همین جهت نیز ارزش خواهد داشت. دنیا مزرعه آخرت دانسته می شود و هر چه توان

جسمانی و مادی انسان بیشتر گردد مسیر رشد او هم می تواند هموار تر گردد. (مصباح، ۱۳۸۴، صص ۶-۲۷۵) لذا دستورالعمل های اخلاقی در علم که به سرکوب هرگونه غریزه یا امر فطری یا از بین بردن رشد جسمانی بینجامد نمی تواند امر پسندیده ای باشد بلکه باید ارضای غریزه و امر فطری در مسیر تعیین شده دینی هدایت گردد. این شاخص نیز وجه مقوم است نه وجه ممیز اخلاق اسلامی.

۴- در نگرش اسلامی برای متخلق شدن به دستورات اخلاقی راهکارهای اجرایی و تربیتی اندیشیده شده است که امر به معروف و نهی از منکر با شرایطش مهمترین آنهاست.

تحقق دستورالعمل های اخلاقی باید از پشتوانه اجرایی لازم برخوردار باشد. بدین جهت در یک جامعه اسلامی برای تحقق رفتار اخلاقی و یا برپایی مناسبات اخلاقی بین تمامی آحاد جامعه، تمامی افراد جامعه مسئولیت دارند تا هرچه بیشتر یک جامعه متخلق به دستورالعمل های اخلاقی و مشتاق و مقید به انجام امور نیک در علم و بری از امور ناپسند را محقق نمایند. در این زمینه دستور اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در معنای گسترده آن که در بردارنده تمامی مکانیزم های تحقق معروف و اجتناب از منکر است اهمیت زیادی دارد.

مولفه های حقوقی

۱. از آنجا که انسان در تمامی ابعاد وجودی اش وابسته به خداوند است لذا کلیه حقوقی که واجد است از ناحیه خداوند و در محدوده اذن او دارد.

این امر بدین معناست که به هیچ طریقی (چه نظر اکثریت مردم، چه مصلحت جامعه و چه به علت اصل عدالت) نمی توان حقوق خدادادی انسان را از او گرفت، مگر آنکه این اجازه از جانب خداوند به فرد

دیگر یا جامعه داده شده باشد. بدین ترتیب انسان در قبال انسانهای دیگر در حقوقش تابع هیچکس دیگری جز خداوند نیست.

مبنای مشروعیت بخشیدن به دستورالعمل های اخلاقی در نظام های سکولار بر مبنای اجماع عقلا یا رای اکثریت و غیره است. بدین جهت است که اصول سودمندی یا عدالت نمی توانند مشروعیتی برای محدود ساختن اصل آزادی و اختیار فرد داشته باشند. لذا اقدامات تنبیهی و جزایی نمی توانند مشروعیت داشته باشند. در نظام حقوقی اسلامی مبنای این حقوق مالکیت و ربوبیت الهی است. در حالی که مبنای نگرش اومانیستی در عصر جدید غرب، نه نفی خداوند که نفی ربوبیت او بوده است.

از آنجا که مبنای حقوق انسانی خداوند است لذا اختیار و آزادی انسانی فقط تا آنجا که از جانب او ماذون باشد محدود خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۸۵) این امر به معنی نفی مصلحت جامعه یا رای اکثریت یا مراجع دیگر برای وصول به اصول سودمندی یا عدالت نیست بلکه این گونه ابزار برای کاشفیت ربوبیت الهی می تواند در اجتهاد دینی مورد توجه قرار گیرد اما مشروعیت آن توسط هیچ مرجعی غیر از خداوند نیست.

۲- به علت حکمت لا یتناهی خداوند، حقوق وضع شده برای انسان دارای فلسفه‌ای است که به برخی از آنها می توان پی برد.

حقوق و تکالیف الهی بر اساس اعتقاد به حکمت و علم لایزال الهی و رحمت بیکران او بر بندگانش، حتما مصلحت یا فلسفه مستحکمی دارد. اما این امر به این معنا نیست که انسان با محدودیت های مکانی - زمانی خود بتواند به تمام این مصالح وقوف یابد بلکه با علم محدود و گسترش یابنده خود می تواند به برخی جنبه های این مصالح پی برد. در مواردی که انسان مصالح و حکمت برخی از این حقوق و تکالیف را نمی یابد هیچ دلالتی بر حکیمانه نبودن احکام نیست.

۳- در آموزه های اسلامی، هر انسان کرامت والایی دارد و خداوند به هر انسان با هر ویژگی، ارزشی برابر تمامی انسانهای دیگر داده است.

توجه به کرامت انسانی نشان‌دهنده ارزش ذاتی انسانها و لزوم رعایت عدالت به معنای تساوی حقوق بین آنهاست مگر آن که شخص بر اساس ویژگی خاص خود در موارد مشابه حقوق بیشتری از جانب خداوند واجد شده باشد و یا به علت برخی رفتارها از برخی حقوق محروم گردد. بدیهی است محرومیت از برخی حقوق، مستلزم محرومیت از سایر حقوق نمی‌گردد.

در کلیه ادیان ابراهیمی آموزه ای وجود دارد که قتل یا احیای هر انسان مساوی قتل یا احیای تمامی انسانها است. با این نگرش بنیادی کرامت انسانها آن چنان است که نمی‌توان هیچ چیز را معادل آن دانست. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹) مبنای تصمیم‌گیری در خصوص اخلاقی بودن رفتارهایی در علم با این نگرش به کرامت انسانی (و هر انسان) خواهد بود. بدین جهت هیچیک از دستورالعمل‌های اخلاقی (مثل حفظ حرمت و آبروی افراد) نمی‌تواند نافی این اصل باشد. اصول بنیادین در هرگونه اخلاق در علم همانند اختیار، سودمندی، عدم اضرار و عدالت نیز باید در پرتو این اصل معنا پیدا کند.

تنها خداوند است که به عنوان مالک و رب انسان‌ها می‌تواند عدول از این حق را مشخص سازد. محدودیت در کرامت انسانی نیز با دستور خداوند میسر است. به همین جهت است که هرگونه محدودیت از حق در یک امر، موجب محرومیت از حقوق دیگر نمی‌گردد. در این زمینه تمامی انسانها با یکدیگر برابر هستند.

۴- حیوانات و گیاهان هر یک حقی متناسب با خود دارند و به جز خداوند کسی نمی تواند آنها را از حق مخصوص خودشان محروم کند. به همین جهت هرگونه عمل در علم که به نحوی تخریب محیط زیست را بدنبال داشته باشد محکوم است.

حیوانات و گیاهان نیز متناسب با نوع حیاتشان واجد حقوقی هستند که جز با اجازه خداوند نمی توان در آن تصرف نمود. حتی در مواردی که خود بشر زمینه پیدایش گیاهان و یا جانورانی را فراهم می کند نیز هیچگونه حقی بر حیات آنها ندارد، چرا که انسان در این کار علت اعدادی است و وجود حیات تماما از جانب فیض مستمر الهی حاصل است. ترجیح حیات یک انسان بر حیوان در موارد تعارض آن دو، یا ذبح حیوانات و یا بهره برداری از گیاهان از موارد اذن الهی است که این اجازه طی شرایط خاصی به انسان داده شده است. برخی سرّ ذبح حیوانات را با نام خداوند توجه به این نکته می دانند که انسان بداند این امر فقط به علت اذن الهی میسر شده است و هیچگونه حق مستقلی برای انسان از این بابت وجود ندارد. آن چه در اخلاق مسیحی یا یهودی به عنوان ممنوعیت برخی تحقیقات زیستی به این دلیل که دخالت در امر خدایی آفرینش موجودات است بنظر می رسد در نگرش اسلامی به اخلاق، فی نفسه، وجهی نداشته باشد مگر آن که به عللی همچون ایجاد فساد در زمین این تحقیقات عواقب نامناسبی داشته باشد.

این نگرش، حفظ محیط زیست را یکی از اصول اخلاقی هرگونه مرامنامه اخلاقی می گرداند. در نتیجه هرگونه فعالیت در علم باید حفظ محیط زیست را در نظر داشته باشد.

۵- از آنجا که بسیاری انسانها نمی توانند حقوق الهی خویش را بدست آورند لذا جامعه اسلامی باید تمامی سعی خویش را برای احقاق حقوق این افراد و تامین حقّ سالم زیستن آنها مصروف کند. از آنجا که محقق ساختن عدالت و دفع ظلم یکی از وظایف دولت اسلامی است و مهمترین ویژگی عدالت، اعطای حقوق به هر ذی حقی است، لذا دولت اسلامی باید مترصد باشد تا در هر جا که حقوق

برخی افراد جامعه از آنها دریغ گردید (چه آنها به تزییع حقوق خود آگاه باشند یا آگاه نباشند) نسبت به احقاق حق ضایع شده، تمامی اقدامات لازم را انجام دهد. در نتیجه حکومت اسلامی موظف است سازوکارهای لازم را برای تحقق حقوق افراد در علم فراهم کند تا با ابزارهای حکومتی بتواند حداکثر احقاق حقوق را در جامعه فراهم نماید.

مولفه های جزایی

۱- نظام پاداش و کیفر در نگرش اسلامی، با رضایت و عدم رضایت خداوند که در پاداش و کیفر اخروی متجلی می شود نه تنها تضمینی برای حُسنِ فعلیِ عمل که برای حُسنِ فاعلیِ آن نیز هست.

در نظام های سکولار راهکارهای جزایی و تشویقی برای رفتارهای اخلاقی در نظر گرفته می شود که در قالب های متفاوتی تجلی می کند. نظام های نظارتی و قضایی و اجرایی و انتظامی کشور، پاسدارِ حدودِ دستورالعملهای اخلاقی هستند. بدیهی است که هرگونه از این راهکارها هر چند وسیع باشند بسیاری محدودده ها را (مثل بسیاری از حیطه های مخفیانه انسانی) نمی توانند پوشش دهند. این نظامها به طریق اولی ناتوان تر از آن هستند که به نیت ها و انگیزه های افراد در انجام فعل اخلاقی دست یابند. اما در نظامهای دینی، باور به معاد و پاداش و جزای اخروی که بر اساس افعال انسان (در تمامی لحظات زندگی و در تمامی حیطه های آشکار و مخفی انسان) و همچنین تمامی نیتهای باطنی انسان صورت می پذیرد، هیچ زمان و مکانی از حیات انسانی را مغفول نمی گذارد. سیستم های نظارتی در نظام های سکولار در مقابل نظارت الهی بر فعل و نیت انسان که به علم الهی در تمامی زوایای زندگی انسان مستند است آن چنان ضعیف است که فقط می تواند محدوده بسیار جزئی از زندگی انسانی را در معرض نظارت اخلاقی قرار دهد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

هرکس هم وزن ذره ای کار نیک انجام دهد آن را (در روز قیامت) می بیند و هرکس هم وزن ذره ای کار بد انجام دهد آن را (در آن روز) خواهد دید.

در نتیجه، در نظام های دینی، مهم ترین تضمین کننده فعل اخلاقی چه در آنجا که از دسترس مکانیزم های فوق بدور است و چه از جهت حسن فاعلی فعل (که قابل نظارت نیست) کیفر و پاداش اخروی است که بهترین تضمین کننده انجام فعل اخلاقی است. (طباطبایی، بی تا، ۲۰۶)

البته این موضوع بدین معنا نیست که به سایر سیستم های نظارتی و جزایی در نظام های دینی بی توجهی شده است. نظامهای دینی سازوکارهای بسیاری برای تحقق اخلاق در جامعه، غیر از پاداش و جزای اخروی نیز دارند که مجموعه مستحکمی از سیستم های نظارتی، جزایی، حقوقی، انتظامی را تشکیل می دهند.

۲- از آنجا که در قبال هر حقی وظیفه ای قرار دارد لذا وظایف اخلاقی در علم باید بگونه ای تنظیم یابد تا حق هرکسی ادا گردد.

تعیین وظایف تمامی عناصر دخیل در علم بر اساس حقوق دیگر عناصر اهمیت بسیاری دارد. از آنجا که رعایت وظایف تمامی عناصر مرتبط با علم مبتنی بر مرامنامه های اخلاقی در علم است، لذا ضرورت دارد بر اساس دستورالعمل های اخلاقی که در این زمینه تدوین می گردد وظایفی برای تمامی عناصر دخیل در علم تنظیم گردد. البته صرف بیان وظایف افراد در این زمینه کفایت نمی کند، چرا که در قبال هر وظیفه ای حقی برای طرف مقابل وجود دارد که باید متناسب با آن وظایف، مجموعه حقوق طرف مقابل نیز مشخص گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶) چرا که هیچ حقی بجز حق خداوند نمی تواند یکجانبه

باشد. لذا در هنگام تنظیم منشور اخلاقی در علم باید وظایف ذینفعان علم در قبال یکدیگر (دوبه دو) کاملاً مشخص و در قبال تمامی وظایف، حقوق هر طرف نیز تنظیم گردد.

مثلاً در مرامنامه علم، نمی توان در تنظیم حقوق آموزش دهنده علم (استاد)، وظایف آموزش گیرنده (مثلاً دانشجو) و در تنظیم حقوق آموزش گیرنده، وظایف آموزش دهنده باید مشخص گردد. افراط و تفریط در هر طرف به انحراف اخلاقی منجر خواهد شد.

۳- تحقق نظام تنظیم وظایف که بر اساس حقوق مشخص می گردد نیازمند نظامی جزایی است.

از آنجا که در جامعه اسلامی حکومت وظیفه دارد از حقوق خداوندی هر موجودی دفاع کرده و تمامی تدابیر لازم و توانایی مورد نیاز را برای احقاق حقوق آن بکار بندد، لذا باید بر اساس این حقوق وظایف هر یک از کسانی که در علم به نحوی دخیل هستند مشخص نموده و نظام جزا برای تخطی کنندگان از وظایف و پاداش برای عاملین به آن را به همراه ابزارهای لازم برای اعمال این نظام جزا و پاداش تدارک ببندد، و اهرم های اجرایی لازم را برای تحقق نظام جزایی بکار بندد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴)

بر این اساس تنظیم اخلاق در علم باید به صورت زیر از بالا به پائین تکمیل گردد:

دستورالعمل های اخلاقی

تعیین وظایف طرف دوم نسبت به طرف اول

تعیین وظایف طرف اول نسبت به طرف دوم

تعیین حقوق طرف اول دخیل در علم

تعیین حقوق طرف دوم مقابل در علم

تنظیم نظام پاداش و جزا برای عاملین و تخطی کنندگان از وظایف

تعیین سازوکارهای تشخیص عاملین و تخطی کنندگان

تعیین سازوکارهای اجرایی برای پاداش و مجازات

جمع بندی:

علی رغم آنکه در نگرش شیعی به اخلاق، حسن و قبح عقلی ملاک است ولی نگرش اخلاقی در تفکر اسلامی با اخلاق سکولار تفاوت‌هایی را در برخی امور دارد که آن را متمایز از اخلاق سکولار و مسیحی و اشعری (و اخباری) می‌کند. برای تدوین رویکرد اسلامی به اخلاق در علم ملاحظات خاص و اساسی باید در نظر گرفته شود تا روح اسلامی آن حفظ گردد. این رویکرد، در جنبه بنیادی- محتوایی‌اش به حسن فاعلی فعل نیز توجه می‌نماید و در تفصیل (و نه اجمال) بر ناتوانی عقل در حصول به تمامی جنبه‌های اخلاقی اذعان می‌کند و در نتیجه خود را محتاج راهنمایی‌های وحی می‌داند. برای موارد جزئی‌تر نیز عقل بر اساس آموزه‌های وحیانی به اجتهاد می‌پردازد. تمامی این دستورالعمل‌ها نیز بر اساس ربوبیت الهی تبیین می‌گردد.

نگرش اسلامی به اخلاق، در مولفه معنوی‌اش جهت‌گیری اخلاق را صرفاً توجه به رفاه و آسایش مادی انسان نمی‌داند، بلکه هم رشد مادی و هم رشد معنوی انسان - که در قرب الهی متمثل است - دغدغه اصلی اوست و به هر دو در یک نظام متعادل می‌نگرد.

از جنبه حقوقی نیز شریعتی را بپا نموده است که حقوق تمامی موجودات را با استناد به باریتعالی می‌نگرد و مبنای مشروعیت فعالیت‌های اخلاقی نیز ولایت و ربوبیت الهی می‌داند. سلب این حقوق جز از مسیر اذن الهی میسر نیست. خداوند نیز برای انسان کرامتی را متذکر می‌گردد که در آن حیات و حرمت یک انسان همچون حیات و حرمت کل انسانها قلمداد می‌گردد. دستورالعمل‌های اخلاقی باید مبتنی بر حقوق الهی باشد.

اسلام برای جاری ساختن اخلاق، صرفاً به توصیه‌های نصیحت‌گونه اکتفا نمی‌کند و نظامی جزایی برای تحقق حقوق انسانها و تخلّق آنها به اخلاق الهی در نظر گرفته است که در نظام جزایی اسلام که مهم‌ترین بخش آن نظام پاداش و کیفر اخروی است مورد توجه قرار می‌گیرد.

آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۳) «تأثیر بستر دینی در پیشرفت علم» در مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی،

فصلنامه دانشگاه قم، سال چهارم شماره اول، بهار ۱۳۸۳، صص ۶۵-۷۵

آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۴) *مرامنامه اخلاقی برای فضای مجازی*، تحقیق برای مرکز ملی فضای مجازی

که در سایت آکادمیا نیز منتشر شده است.

آیت اللهی، حمید رضا (۱۳۸۶). *جستارهایی در فلسفه و دین پژوهی تطبیقی*. قم: انتشارات طه.

آیت اللهی، حمید رضا (۱۳۸۷) «انقلاب اسلامی و اضمحلال حاکمیت فکری انسان محوری»، مجله

علمی-ترویجی *خط اول: رهیافت انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۷.

آیت اللهی، حمید رضا (۱۳۸۸) «مدلی برای ساختار اصلی اخلاق پزشکی اسلامی»، *مجله اخلاق و تاریخ*

پزشکی، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران، سال دوم دوره ۲، شماره ۲، بهار ۱۳۸۸.

آیت اللهی، حمید رضا؛ احمدی، فاطمه (۱۳۸۸) «بررسی مقایسه‌ای روابط علم و دین در الهیات جدید

مسیحی (با تأکید بر آراء مک‌گراث، باربور و تد پیترز)»، فصلنامه علمی پژوهشی *ادیان و عرفان*، سال

چهل و دوم شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

پالمر، مایکل (۱۳۸۵) *مسائل اخلاقی*، ترجمه علی رضا آل بویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی (۱۳۸۴) *حق و تکلیف در اسلام*، قم: مرکز نشر اسراء

ریچلر، جیمز (۱۳۸۷) *فلسفه اخلاق* ترجمه آرش اخگری، تهران: انتشارات حکمت

سبحانی، جعفر (۱۳۷۹) *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، قم: موسسه امام صادق (ع)

سبحانی، جعفر (۱۳۸۱) *حسن و قبح عقلی یا پایه های اخلاق جاودان*، قم: موسسه امام صادق (ع)

طباطبایی، محمدحسین (بی تا) *فرازهایی از اسلام*، تهران: جهان آرا

الطوسی، نصیرالدین (۱۳۶۷) *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: انتشارات شکوری

فرامرزی قرا ملکی، احد؛ درخشانی، لعبت؛ رضایی شریف آبادی، سعید (۱۳۹۰) *اخلاق حرفه ای در کتابداری*

و اطلاع رسانی تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

فرانکنا، ویلیم کی (۱۳۸۵) *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، چ ۲، قم: کتاب طه.

لاریجانی، باقر (۱۳۸۱) *اخلاق در پژوهشهای پزشکی*، تهران: برای فردا.

مشکینی، علی (۱۳۸۳) *درس‌هایی از اخلاق*، ترجمه حسین استاد ولی، قم: انتشارات الهدی

مصباح، مجتبی (۱۳۸۴) *بنیاد اخلاق*، قم: انتشارات موسسه امام خمینی (ره)

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲) *فلسه اخلاق*، قم: بنیاد ۱۵ خرداد

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا

نصیری، منصور (۱۳۸۳) *روشن شناسی علم و الهیات (بررسی و نقد دیدگاه ننسی مورفی)*؛ قم: مرکز

انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

هال، ال دبلیو اچ. (۱۳۶۳) *تاریخ و فلسفه علم*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات سروش.

Bird, S. and Spier, R. (1995) "Welcome to Science and Engineering Ethics,"

Science and Engineering Ethics 1, 1:2-4.

- Garte, S. (1995) "Guidelines for Training in the Ethical Conduct of Research," *Science and Engineering Ethics* 1:59–70.
- Hedges, S. (1997) "Time bomb in the crime lab," *US News and World Report*, 24 March: 22–24.
- Hilts, P. (1996) "Noted finding of science fraud is overturned by a federal panel," *New York Times*, 22 June: A1, A20.
- Kohlberg, L. (1984). "Essays on Moral Development". Vol. 2, *The Psychology of Moral development*, San Francisco: Harper & Row
- Murphy, Nancy (1997) *Reconciling Theology and Science*; London: Cornell University Press.
- Nasr, Seyyed Hossein, (1996) *Religion and the Order of Nature*, New York, NY Publisher,
- Reiser, S. (1993) "The ethics movement in the biological sciences: a new voyage of discovery," in R.Bulger, E.Heitman, and S.Reiser (eds) *The Ethical Dimensions of the Biological Sciences*, New York: Cambridge University Press.
- Resnik, David (1998) *The Ethics of Science: An Introduction*, London and New York: Routledge.
- Rest, J. R. (1984). "The major components of morality". In W. Kurtines & J. Gewirtz (Eds.), *Morality, Moral Behavior, and Moral Development* (pp. 24-40). New York: Wiley.
- Rest, J. R. (1986). *Moral Development: Advances in Research and Theory*. New York: Praeger Press.
- Rest, J. R., & Narvaez, D. F. (Eds.). (1994). "Moral development in the professions" *Psychology and Applied Ethics*.

Iran National Science Foundation
Science Deputy of Presidency

Methodology of Preparing Ethical Codes in Science

By
Hamidreza Ayatollahy

1395